

چشم‌هایت زندان مولداوی است

یادداشت‌هایی از ابراهیم افشار، سارا غضنفری مهدی افخمی و ... صفحه ۱۶



خنجرهای جف و ایلان و مارک

آخرین خبرها و حاشیه‌های ثروتمندترین مردان جهان

در بسته آخر هفته بخوانید:

● در کنکور امسال بچه‌های انسانی هم پزشکی قبول شدند!

شوخی‌ها و طنزهای بازیگرهای مجازی هفته

● ثروتمندان خوش‌قیافه بر پرده نقره‌ای

عنوان ثروتمندترین بازیگر فعلی سینمای ایران

چند مدعی بزرگ دارد

● بخیه مزین به آبدوغ، ای مرد اهل بخیه!

بی‌نظیر بوتو، شمیم بهار، چور قانیان، ویرانی غزه، شاخ‌رخ خان، نیسان جونپور، قالیباف و محمد نصیری

۶ خودروی اقتصادی بازار ایران

با بودجه کمتر از ۵۰۰ میلیون تومان کدام خودروهای صفر کیلومتر را می‌توان خرید؟ صفحه ۵۰



زندگی راحت‌تر برای سالمندان

وسایل کمک‌پزشکی و تجهیزات حرکتی که باعث بهبود شرایط سالمندان در خانه می‌شوند

- رای‌برای پایان دادرسی‌های متعدد؟/ نظرات متفاوت دو وکیل در مورد رای هشتم آبان دیوان عالی کشور
- دنیا؛ قدر یک نعلبکی / ماجرای جالب سفر دودقیقه‌ای از امروز به ۳۰ سال قبل محله نارمک ● عروسی به صرف خون و مرگ / تیراندازی‌های مرگبار در جشن عروسی‌ها قربانیان زیادی گرفته است ● چیزهایی برای شنیدن و نشنیدن / از آهنگ طنز برای بایرن‌مونخ تا شباهت آهنگ جان‌لئون و شرورین ● سناتور باهوش خیابان فردوسی / قصه‌های گمشده – پاورقی روزهای فرد ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید



روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی ایران
پنجشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۳
صفحه ۱۶
شماره ۳۹۰۳
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان



آیفون می‌آید فقط برای میلیاردرها

واردات آیفون احتمالاً آزاد می‌شود اما دیگر هیچ چیز شبیه گذشته نیست. بخصوص با اعلام تعرفه ۹۶ درصدی. چیزی در ردیف واردات خودروهای خارجی

واقعی خصوصی محسوب نمی‌شوند و دولت ترجیح می‌دهد به جای اینکه دلارهای صادراتی آنها برای واردات موبایل آن هم یک موبایل آمریکایی صرف شود، برای واردات کالاهای واجب‌تر اختصاص پیدا کند و از آن مهم‌تر تا جای ممکن در اختیار خود دولت قرار بگیرد تا با کمک آن نرخ ارز را در بازارهای رسمی و غیر رسمی پایین نگه دارد. پس تا اینجا کار همان دلالی که برای ممنوعیت واردات خودرو مطرح شد و هنوز هم می‌شود، برای ممنوعیت واردات آیفون به کار می‌رفت. همزمان با ادامه دار شدن این ممنوعیت بازار قاچاق انواع مختلف آیفون‌ها به شکل مسافری و غیرمسافری قوت گرفت چنان که هیچ مشکلی بابت عرضه این مدل‌ها در بازار نبود و اتفاقاً یک بازار جانبی برای رجیستر غیرقانونی آنها هم شکل گرفته بود که در مواقع بسیاری یک کلاهبرداری بدون پیگیری محسوب می‌شد تا دیروز که بالاخره به گفته دولت طلسم شکسته شد و واردات آزاد شد اما آیا بازار گوشی‌های آیفون به یک بازار معمولی مانند آنچه تقریباً در گذشته بود تبدیل خواهد شد؟ جواب قطعاً منفی است. اغلب کارشناسان می‌گویند که مدل آزاد سازی واردات آیفون هم چیزی است شبیه آنچه در بازار خودرو شاهدش هستیم.

اصلی‌ترین ماجرا به همین تعرفه گمرکی بسیار سنگینی بر می‌گردد که برای واردات آیفون‌ها در نظر گرفته شده است. یعنی ۹۶ درصد چیزی نزدیک به دو برابر در حالی که تعرفه واردات بقیه گوشی‌های بالاتر از ۶۰۰ دلار در حال حاضر ۵۶ درصد است. این یعنی گوشی آیفون ۱۶ که قیمت جهانی‌اش ۷۹۹ دلار است در ایران قیمتی نزدیک به ۱۱۰ میلیون تومان پیدا خواهد کرد. البته بعضی‌ها به این حساب و کتاب اعتراض می‌کنند و می‌گویند که اولاً وارد کننده‌های عمده گوشی‌ها را تک فروشی نمی‌خرند و در بازار عمده فروشی ایل مخصوصاً در کشورهایی مانند چین

چند روز پیش ستار هاشمی، وزیر ارتباطات در توییتی خبر از رفع محدودیت واردات آیفون داد، دیروز هم خبر نهایی اعلام شد و سختگویی دولت رسماً تصمیم هیأت دولت در مورد آزادسازی واردات انواع مدل‌های آیفون را اعلام کرد و گفت که جزئیات ماجرا در آیین نامه‌های اجرایی ابلاغ خواهد شد. بلافاصله هم نامه‌ای با امضای معاون اول رئیس‌جمهور خطاب به وزارت صمت، اقتصاد و ارتباطات منتشر شد که در آن واردات هر نوع تلفن همراه هوشمند با نشان تجاری ایل مجاز اعلام شده بود البته با سود بازرگانی یا همان حقوق گمرکی ۹۶ درصد!

خوشحالی همراه با شک و تردید از همان وقت که توییت وزیر ارتباطات دیده شد شروع شده بود اما اصل واکنش‌ها تازه بعد از معلوم شدن حقوق گمرکی ۹۶ درصدی شروع شد. و همین موضوع بود که باعث شد قیمت‌ها در بازار چنان که خیلی‌ها انتظار داشتند شکسته نشود و فقط مقداری از حباب مدل‌های مختلف ۱۳ ریخت.

آزاد اما همچنان خیلی خیلی گران

سختگویی دولت در حرف‌های دیروزش گفته که ارز مورد نیاز برای واردات آیفون از بعضی محل‌ها تأمین خواهد شد و بقیه جزئیات را سپرده به آیین نامه اجرایی، اهمیت موضوع تأمین ارز را وقتی می‌فهمید که پاییز ۱۴۰۱ برود، زمانی که واردات آیفون ۱۴ و بالاتر به شکل تجاری به کشور ممنوع شد و مسئولان درباره ممنوعیت آن هم گفتند که در شرایطی که درگیر جنگ اقتصادی و کمبود منابع ارزی هستیم و برای تأمین ارز مورد نیاز کالاهای اساسی و دارو دچار مشکلاتی هستیم، منطقی نیست که ما برای واردات کالاهای اساسی با قیمت بالاتر از ۶۰۰ دلار ممنوع شود. پس ممنوعیت واردات آیفون قطعی شد در حالی که واردات گوشی‌های برندهایی مانند سامسونگ با قیمت‌های بالاتر از ۶۰۰ دلار ادامه داشت و کسی تفاوت آنها و آیفون را از نظر فشار به بازار ارز اعلام نمی‌کرد. حالا ممکن است بپرسید مگر دولت ارز مورد نیاز وارد کننده‌های آیفون را فراهم می‌کرد که حالا نگران تأمین آن باشند؟ جواب این است که به هر حال در کشور تحریم شده‌ای مانند ایران جریان ورودی ارز مخصوصاً دلار جریان کند و بسته‌ای است. درست است که وارد کننده‌های موبایل مانند وارد کننده‌های هر کالای دیگری غیر از کالاهای اساسی می‌توانند ارز مورد نیازشان را از بازار نیما تأمین کنند اما می‌دانیم که تأمین کننده‌های اصلی ارز بازار نیما ابرشرکت‌های فولادی، پتروشیمی، پالایشگاهی و... هستند که هیچ کدام به معنی

ستون پنجمینیه دکتر امیر رضا مافی

در اهمیت «جمع»

ما در مقطعی تاریخی ایستاده‌ایم که دو انقلاب بزرگ، یکی در عرصه معرفت و وجود و دیگری در عرصه سیاست و اجتماع، در حال وقوع است. هوش مصنوعی با سرعتی خیره کننده در حال توسعه است و این روند می‌تواند هویت و فعلیت انسانی را به چالش بکشد. از یک سو، این فناوری جدید ما را به سمت قابلیت‌های بی‌سابقه‌ای هدایت می‌کند، اما از سوی دیگر، به نوعی ما را به انفعال و فقدان هویت نسوق می‌دهد. آیا می‌دانیم در برابر این تحولات چه کنیم؟ آیا می‌توانیم هویت و اراده انسانی‌مان را حفظ کنیم؟ در سوی دیگر، ما با یک بحران سیاسی و اجتماعی مواجهیم. جهان به سمت نظم جدیدی حرکت می‌کند که در آن نظام تک‌قطبی جای خود را به نظام چندقطبی می‌دهد. این تغییر نه تنها ساختار قدرت جهانی را به چالش می‌کشد، بلکه منجر به کشمکش‌هایی می‌شود که عواقبش برای ما به عنوان انسان‌ها بسیار مهم است. به نظر می‌رسد امروز، شرق عالم در حال عصیان علیه غرب است. این یک انقلاب سیاسی اجتماعی است که باید در آن آگاهانه و فعالانه شرکت کنیم. در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد که ما بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم به مفهوم «جمع» توجه کنیم. جمع انسانی نه تنها به معنای تعداد افراد در یک جامعه است، بلکه به همدستی و همدلی میان انسان‌ها اشاره دارد. ما باید یاد بگیریم که از پیروزی فردی دست بکشیم و به سوی پیروزی جمعی حرکت کنیم. این پیروزی جمعی است که می‌تواند در برابر تحولات ترسناک ناشی از هوش مصنوعی و تغییرات سیاسی مقاومت کند. این روزها، مفهوم جمع بدینی می‌تواند به عنوان یک سیر حفاظتی در برابر تهدیدات نوین عمل کند. اگرچه ممکن است هر یک از ما به تنهایی قدرتی داشته باشیم، اما قدرت واقعی در همدست بودن و همدل شدن نهفته است. ما باید دست به دست هم بدهیم و تلاش کنیم تا آرام‌های انسانی را تحقق بخشیم. این تلاش جمعی به ما کمک می‌کند تا در برابر طوفان‌های پیش‌رو ایستادگی کنیم و به یکدیگر یاری برساییم.

ما به جمعی نیاز داریم که در آن هر فرد به عنوان بخشی از یک کل شناخته شود و نه به عنوان موجودی منفرد و جدا. این جمع انسانی می‌تواند به ما در تحقق اهداف مشترک کمک کند و ما را در برابر چالش‌ها و خطرات جدید یاری دهد. از همین رو، پاسداری از مفهوم جمع امروز به یک ضرورت تبدیل شده است. ما باید بیاموزیم که قدرت در جمع است و نه در فرد.

امروز، جامعه‌ای که به جای منافع فردی به منافع جمعی می‌نگرد، می‌تواند از طریق همدلی و همکاری، به مقابله با آسیب‌های ناشی از تحولات جدید بپردازد. ما باید از خود بپرسیم: چه کمکی می‌توانیم به یکدیگر کنیم؟ چگونه می‌توانیم از تجربیات یکدیگر بهره‌مند شویم و در راستای تحقق اهداف انسانی مشترک کوشش کنیم؟

در این برهه حساس، ما باید با همدیگر به سمت ایجاد تغییرات بنیادین گام برداریم. شاید این دوران، بهترین زمان برای برقراری ارتباطات عمیق انسانی باشد؛ زمان آن است که فراتر از فردیت، به جمع توجه کنیم. بیایید از قدرت جمع انسانی بهره‌برداری کنیم و اجازه ندهیم که تحولات بنیادین ما را به انفعال بکشانند. ما باید در این مسیر دست به دست هم بدهیم و جمعی آگاه و فعال بسازیم که بتواند در برابر چالش‌های پیش‌رو بایستد و آرمان‌های انسانی را تحقق بخشد. اکنون زمان آن است که مفهوم جمع را پاس بداریم و از آن به عنوان ابزاری برای نجات هویت انسانی‌مان بهره بگیریم. در این عصیان شرق علیه غرب و در جریان انقلاب معرفتی که در حال وقوع است، جمع انسانی می‌تواند صدای ما باشد و ما را به سوی آینده‌ای روشن هدایت کند.

ای‌وای کامران؛ فقط یک ثانیه مانده بود

درباره باخت‌های ناباورانه کشتی و ناکامی پرسپولیس در اهواز

ساعده برقی | عصر چهارشنبه دم غروب بود که دلمان شکست. مستحق این ماجرا نبودیم. ما که خود را برای کمی شادی عصرگاهی آماده کرده بودیم یک به یک در غم غوطه‌ور شدیم. هر چقدر هم به خودمان بگوییم در دنیایی به این بزرگی و با این حجم مشکلات برد و باخت دوتا کشتی‌گیر چقدر مسئله مهمی است، فایده‌ای نکرد. دیروز محمد نخودی کشتی‌گیر خوب ایرانی که سه سال پیاپی در حسرت مدال طلای جهان بود و دو نقره و یک برنز در کارنامه‌اش داشت با سهیل انگاری شانس ورود به فینال را از دست داد. او رقبایش را شکست داد و شجاعانه

از سد جردن باروز آمریکایی هم گذشت تا طلای جهان را نزدیک‌تر از همیشه ببیند. او در نیمه نهایی مقابل حریف گرگی خود با اعتماد به نفس ظاهر شد. هر چه باشد او برنده جردن باروز بزرگ بود. توفانی ظاهر شد و شش بر صفر از حریف خود پیش افتاد اما در اواخر بازی در فاصله سه سه ثانیه به انتها بر ۹ بر ۸ عقب افتاد. هجوم انتحاری آخر او هم فایده‌ای نکرد و فقط شکستش را سنگین‌تر کرد: ۱۴ بر ۸. این اولین دلشکستگی عصر چهارشنبه بود.

چند دقیقه بعد کامران قاسمی‌پور به میدان آمد. مقابل عبدالله سعدی‌اف بزرگ. با هفت قهرمانی جهان و المپیک که اگر اسیر تحریم روسیه توسط فیلا نمی‌شد می‌توانست مدال‌هایش را دو رقمی کند. قاسمی‌پور سه حریف قبلی خود را بدون از دست دادن امتیاز شکست داده بود و خب سعدی‌اف هم دیوید تیلمور را هفت بر صفر در هم کوبیده بود. اینجا مسابقه‌ای برای راه یافتن به فینال بود و قاسمی‌پور فراتر از انتظار ظاهر شد. سه دقیقه اول را یک بر صفر برد و وقتی بازی یک بر یک شده بود دلبران‌ترین زیر دو خم کل دوره ورزشی‌اش را تجربه کرد و در فاصله سی ثانیه به انتها سه بر یک جلو افتاده بود. فقط سی ثانیه. اما حریف که غافلگیر شده بود در آن سی ثانیه همچون امواج توفانی اقیانوس بر سد صخره‌ای قاسمی‌پور خود را می‌کوبید و دست آخر در ثانیه‌های آخر پشت او رفت و همان جا قاسمی‌پور را روی تشک خراب کرد و بازی را ۵ بر سه به نفع خود کرد. درست در آخرین ثانیه بازی. این درناک‌ترین شکست عمر قاسمی‌پور بود و از دست دادن قطعی طلا و بدتر از آن این که حالا مجبور می‌شود در جدول بازنده‌ها تونل وحشت دیوید تیلمور را هم تجربه کند.

قسمت سوم این دلشکستگی ربطی به کشتی ندارد. اینجا به عنوان یک طرفدار پرسپولیس حرف می‌زنم. وقتی که سرخ‌ها هرچه کوبیدند به در بسته زدند و در مقابل استقلال خوزستان و سرمربی صربستانی باهوششان و یک مهاجم تیره‌پوست به نام بیفوما که توپ مثل سربیش به پایش می‌چسبید و گرفتن توپ از او کاری شاق و طاقت‌فرسا بود که احتمالاً بهترین بازیکن امسال ایران است دست‌ها را بالا بردند. حتی ۱۱ دقیقه وقت اضافی هم فایده‌ای نکرد و پرسپولیس مغلوب شوت سنگینی شد که دقیقه شش محمود مطلق‌زاده غافلگیرانه زد و دروازه‌گندوز را فرو ریخت. پرسپولیس مدام سانسرت کرد و سانسرت کرد و سانسرت کرد و تازه شانس آورد که روی دوشه تا ضد حمله زهرآگین دروازه‌اش برای دومین بار باز نشد. استقلال خوزستان حالا هم پرسپولیس و هم استقلال را در اهواز شکست داده است و می‌تواند به جایگاه بالاتری در جدول بیاندیشد.



@newspaper7sobh

کانال تلگرام هفت صبح طعم دیگری دارد

به تلگرام هفت صبح پیوندید.

زود باشید



دستور زبان عشق

تو دیگر چه جور معشوقی هستی؟/نه دستم به تو می‌رسد

نه‌می‌توانم از شوق دیدنت /بال در آورم

تو/دست و پال مرا بسته‌ای

هفت صبح روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی سال چهاردهم /شماره ۱۳۹۰۳ /پنجشنبه، ۱۰ آبان ۱۴۰۳ صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو

دبیر آنلاین: صدرا بکتاش

مدیر هنری: وحید غفاری

موتورهایی پر از زن و زندگی

یک تک نگاری بی ربط از خاطرات ترافیک

مدتهاست که در ترافیک بعد از ظهرهای تهران به احوالات موتورسوارها دقت می‌کنم. منظورم پیک های غذا و کالایستند که هیجان را با اصرار از درز پنجره ماشین به وجود تزریق می‌کنند و تو مدام در مورد این که چقدر شانس در زندگی مهم است و این که یک سروسزن مانده بود تا به آن موتورسراسیمه برزم و این چیزها فکر می‌کنی. نه به موتورسوارهایی نگاه می‌کنم که زوج هستند، زنانی که ترک موتور مردان خود نشسته‌اند.



دنده عقب

اشکان غفیلی‌پور

رفقا عرض کنم خدمتون بنده یک دوستی دارم که جزءاون دسته از آدم‌هاییه که وقتی تشریف می‌بره کارواش، بلافاصله یک جبهه‌های سرد وارد کشور شده و سیل و بهمن همه جا رو فرا می‌گیره. شاید جالب باشه بدونین که همین بارش باران و برف چند روز گذشته در سراسر کشور، به این دلیل بود که ایشون علاوه بر روشویی، ماشین رو موتورشویی و زیر شویی هم داده بود.

امروز براتون از رازی میگم که همه مسئولان و شما مردم عزیز رو متحیر کرده. واون هم دلیل افزایش قیمت کسب هست.

چندوقت پیش این دوست عزیز تشریف آورد منزل ما و متوجه شدم که اوضاع زندگی مشترکش، مقداری قمر در عقربه. همینجور که با موبایلش صحبت می‌کرد، وارد خونه شد و فقط یه سری برام تگون داد و به صحبت‌های خودش ادامه داد: - «خوش اوووومدی... خوش اوووومدی... به سلاااااااا... منو تهدید می‌کنی؟ حالا بهت میگم. برو ببینم چیسکار می‌خوای یکنی؟ باشه... منم نشستم و اخلاقی رو ادامه دادم... برو... هر کار می‌خوای یکن. منتظر... آااا...»

ناسرا گوین، گوشی‌ش قطع کرد و پرت کرد روی میل و شروع کرد به راه رفتن و با حریف فرعی، مباحثه اخلاقی رو ادامه داد. - «منو تهدید میکنی؟ مهریه بذاری اجرا؟ برو بدار... روزگار تو سیاه می‌کنم.»

چون در بین جملات، تاکید بر مهریه بود، دیگه نیازی به سوال بیشتری نبود که موضوع چیه. اون شب، موضع بسیار محکمی داشت و دست به کمر راه می‌رفت و حریف می‌طلبید. هر چقدر هم من سعی در از بین بردن کدورت‌های این جفت مرغ عشق داشتم، تلاشم بی‌نتیجه بود. این یکی از این ور تهدید می‌کرد و اون یکی از اون ور تاکید داشت که اهل عمل هستند و نه تهدید. فقط یه

گاه خسته به پشت مرد سرشان راتکیه داده‌اند و چشمانشان را هم بسته‌اند. تصویری پر از اعتماد. اطمینان. زن خسته و سردی که می‌داند آن زن به او اعتماد کرده‌است. گاه به موتور سوارهایی نگاه می‌کنم که انگار جرو بحث اشپزخانه را به پشت موتور آورده‌اند. در همان حال با هم بحث می‌کنند و گاه حتی مرد صورتش را به سمت زن برمی‌گرداند تا آخرین طعنه او را جواب بدهدو در تمام این مدت موتور



پشت سر هم تعجب می‌کرد که چرا به این دوست من «بله» گفته و در ایمن هیبت، چه چیز خاصی دیده بوده که راضی شده و باهاش ازدواج کرده... هی تعجب می‌کرد و هی به جواب نمی‌رسید.

۴۸ ساعت بعد، مقداری مواضع عوض شده بود. دوستم همچنان دستت به کمر، وسط خونه من راه می‌رفت و همچنان تهدید می‌کرد ولی با جملاتی دیگ:

- «اوسه من احضاریه می‌فرسته؟ اموال منو توقیف می‌کنه؟ میرم صد تا سکه رو پرت می‌کنم جلوش... ولی بعدش من می‌دونم و اون... حالا ببین...»

از لحظه‌ای که این برز گوار تصمیم به پرت کردن دانه دانه سکه‌ها به سمت همسر محترمشون گرفت، بازار طلا در سطح جهان از رکود درآمد و هم‌زمان خاورمیانه هم این شکلی شد که ملاحظه میفرمایین. این لحظات، دقیقاًلحظاتی بود که شما عزیزان در اخبار، شاهد رشد قیمت سکه بودید. ایشون طبق اظهاریه‌ای که به دستش رسیده بود، باید زحمت می‌کشید و در طی ده روز، صد عدد سکه را تقدیم همسر بزر گوارشون می‌کردن و گرنه مزاحم عزیزان نیروی انتظامی می‌شدن و ایشون را به بازداشتگاه راهنمایی می‌کردن.

۲۴ ساعت بعد، بازهم مواضع مقداری عوض شد. دوستم همچنان دست به کمر، وسط خونه من راه می‌رفت. ولی دیگه تهدید نمی‌کرد...

- «افااااا من از کجا بیارم خدایی... چرا قیمت سکه اینجوری شد. چرا لزلزه اومد پهو تو بازار سکه... اصن چی شد دند پهو؟»

آرزوی پرتاب کردن دانه دانه سکه‌ها به طرف همسر محترم، دورتر و دورتر می‌شد و جای خود را به پیگیری اخبار و صحبت‌های مسئولین می‌داد. ۲۴ ساعت بعد، مواضع کلا جابه‌جا شد. دیگه دوست به کمر تو خانه راه نمی‌رفت. دیگه حرف نمی‌زد.

ساعت می‌گذشت و در این میان، موضوع دیگری وجود دارد که به جای عمق بخشیدن به این حس ملی‌گرایی، تاثیر عکس گذاشته و حتی تا حدی دلزدگی به همراه آورده‌است؛ آن هم مصرف بیش از حد و گاه‌ا نابجای این نمادها و آهنگ‌های ملی است. به عنوان مثال، آهنگ «ایران من» در همایون شجریان که محتوایی غنی واحساس‌برانگیز درباره ایران دارد، به‌گونه‌ای مکرر و بدون در نظر گرفتن بافت اصلی‌اش استفاده می‌شود. در نشست خبری اخیر، آهنگ‌های سخنگوی دولت در واکنش به این آهنگ تأثیر گذار بود، اما این لحظه احساسی با رویکرد اولیه و معنای عمیق‌تر این ترانه همخوانی نداشت؛ چرا که «ایران من» در زمانی متفاوت و با هدفی خاص تر سروده و خوانده شده بود.

امام صادق علیه‌السلام
سَافِرُوا وَاصْحُوا
سَافِرُوا نَعْتَمُوا
مسافرت کنید تا سلامتی و عافیت یابید.
مسافرت کنید تا پیرهن مند شوید.

کامران رسول‌زاده

باز نشر مطالب روزنامه‌نامه‌های صبح صر فابا
اجازه کتبی مجاز است. در غیر این صورت
منوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

را در خیابان های تنگ تهران می رانند. گاه به موتورهایی می‌نگرم که مردان جوان ؛ نامزدهای جوان تر و برازنده خود را بر ترک موتورهای جدید و مدرن خود نشانده‌اند و فخر فروشانه در خیابان‌ها می‌رانند. انگار بازتاب یک آوای باستانی است. مردان قبیله‌های دور که دختران قبیله دیگر را می‌ربودند و ترک اسب می‌بردند تا خانواده دختر را به ازدواج راضی کنند. همین دیگتر.

تهدید نمی‌کرد و به مانند یک بره، ساکت نشسته بود جلوی تلویزیون: «ای وای... ای وای... ای وای چته؟» در همین لحظات عرفانی کسه خودش رو در یک قدمی پرسنل خدوم نیروی انتظامی می‌دید، کم کم به این نتیجه رسید که خودش هم بالاخره در این زندگی اشتباهاتی داشته و باید این زندگی را از نو ساخت. پس قدرت عشق کجاست؟... در همین تاتیه‌های تزکیه، باز هم رفت رو قیمت سکه و دوست عزیزم، کلا تصمیم گرفت که یک آدم دیگه‌ای بشه و گذشته‌ها رو جبران کنه.

اخبار که آخرین قیمت سکه را اعلام کرد، دیگه نتوانست دوری پاره تن رو تاب بپاره و شمارش رو گرفت. خب واقعا صحبت‌های زیبایی بود. هر چه همسر اصرار بر ادامه جدل داشت، ولی دوستم به مانند یک مرد بزرگ، کوتاه می‌آمد. هر نگاهی که به صفحه تلویزیون می‌انداخت، بیشتر دلش برای خانه امیدش تنگ می‌شد و بیشتر عذر تقصیر می‌خواست.

در جهش آخر قیمت سکه، دوستم دید که دیگه تحمل دوری نداره. - «آقا چند روز مزاحمت شدم، شرمنده... من برم که ایشالا بچسبم به زندگی و دیگه هم ولش نکنم.» / «برو به امید خدا. خوشبخت باشین همیشه. دست خالی هم نرو...» / «نه امروز که رفتم صرفایی و قیمت‌ها رو دیدم، همون کنارش به اسباب بازی فروشی بود، یه خرس قرمز گنده داشتم. الا میرم باز بگیرم خوشحال شه.» / «مطمئنن با خرس خوشحال میشه؟!...» / «آره... خیلی خوشگل و بانمک بود.»

خب این چند روز، یک مقداری به روانش آسیب وارد شده بود. خلاصه که کلیاتون راحت... به زودی شاهد سقوط قیمت سکه خواهیم بود.

آرش خوشخو

کپهان آشدن و نشریات اقماری آن را سروسامان دادند. کتاب هفته کپهان را که شاملو با پشتیبانی سیامک پورزن منتشر می‌کرد تا برنامه رتبت و تاب انتخاب دختر شایسته که با حمایت صدراالدین الهی و پورزند و ذیل نشریه زن روز پا گرفته بود. کپهان این گونه بر فضای فرهنگی کشور تاثیرات مداوم خود را نشان می‌داد.

با این حال کورس و آهنگی را در دهه پنجاه شروع کرد. وقتی که انبوهی از جوانان تحصیلکرده دانشگاه تهران را وارد روزنامه کرد و هم کیفیت روزنامه را بالا برد و هم ناخودآگاه انبوهی از جوانان کمونیست و شبه کمونیست را وارد کپهان کرد. مثل خسرو گلسترخی که دبیر فرهنگی کپهان بود و درگیر یک طوطنه گروهی پیچگانه شده بود و برای ربودن رضا پهلوی در یک مراسم تجلیل در کانون پرورش فکری و بعد هم تیزپاران شد. یا هوشنگ اسدی که چهره جوان و محبوب کیانوری بود. در کپهان به یک چهره تاثیر گذار بدل شده بود. در دوران انقلاب هم رحمان هاتفی سردبیر کپهان شد. او تا نیمه سال ۱۳۵۸ سردبیر کپهان باقی ماند. هاتفی عضو حزب توده بود، اما تا زمان بازداشتش کسی این را نمی‌دانست. او بنیان گذار نشریه مخفی «نوید» بود که از سال ۵۶در ایران منتشر می‌شد و از نشریات وابسته به حزب توده بود. در بهمن ۱۳۵۷ اکثر تیتترهای کپهان کار او بود؛ از جمله تیتتر معروف مربوط به سلام نظامی جمعی از همافران نیروی هوایی شاهنشاهی ایران در مدرسه علوی در مقابل امام که به گفته تیمسار عباس قریب‌باغی - رئیس ستاد ارتش آن زمان - این تیتتر کمر حکومت شاهنشاهی را شکست. هاتفی بعدها اعدام شد.

کپهان هر طور که بود به یاری همین تحصیلکرده‌ها به تدریج گوی سبقت را از اطلاعات ربود. که خب داستانش را یک روز دیگر پی می‌گیرم. فقط این را بدانید که مصباح‌زاده از ایران رفت و در لندن کپهان لندن را راه انداخت و باز هم از روابط خوشی باشرف استفاده کرد و تا سال ۱۳۸۵ زندگی کرد و ۹۸ سالگی در سن دیگو در کالیفرنیا در گذشت. میامک پورزن، صدراالدین الهی و احمد شاملو به

واکو بهای انتظار
آن دور ها / چه چیز دارد
که هربار دلنگن می‌شویم! / دوست داریم...
نگاهش کنیم؟
محاسن ص ۳۴۵، ۱۲

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۴:۵۹ | طلوع خورشید ۶:۲۵ | اذان ظهر ۱۲:۴۸ | غروب خورشید ۱۷:۰۹ | اذان مغرب ۱۷:۲۸

نشانی: تهران، خیابان سپهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی: ۰۶۵۲۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۰۱۷۰۰۹۲۰۰
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ | توزیع: دنیای اقتصاد تابان | اجاب: پیام‌همسپری - جام‌چم | اشتراک اینترنتی: www.jaavar.com

سایت‌نگار

طلاق برای ظرف شستن، واکنش‌های سخنگو و سنجاب پر نده

❖ **به گزارش ایسنا، اگرچه حدود چهار سال از تعطیلی سینما عصر جدید می‌گذرد ولی تاکنون خبر یا اعلان رسمی برای فروش آن دیده نشده بود؛** در حالی که الان بنری برای فروش بر سردر سینما نصب شده و نشان از تصمیم قطعی مالکان برای فروش یکی از سینماهای نوستالژیک و قدیمی پایتخت دارد.
شروع فعالیت در محل سینما عصر جدید فعلی به دهه ۱۳۲۰ برمی‌گردد. این سینما در مقطعی به‌طور کامل تخریب و بعد به شکل سینمای فعلی بازسازی شد. استفاده سال ۱۳۹۹ و در دورانی که سینماها پس از شیوع کرونا با تعطیلی مواجه شده بودند، خبر تعطیلی این سینما بازتاب زیادی پیدا کرد آن هم در شرایطی که از ماه‌ها قبل مالکان بسیاری از سالن‌های سینمایی قدیمی و تک‌منظوره به فکر تعطیلی و تغییر کاربری سینماهای خود بودند. در آن مقطع (سال ۱۳۹۹) عبدالله علیخانی -مدیر سینما عصر جدید- به ایسنا گفت: من و آقای فرحبخش ۱۱ سال است که این سینما را خریداری کرده‌ایم چون سینما علاقه ما بود اما الان با این وضعیت نمی‌دانیم باید چه کنیم و برای رسیدن به تصمیمی قطعی آن را تعطیل خواهیم کرد.

این تعطیلی که به نظر می‌رسید با بازگشایی و فعال شدن دوباره سینماها متوقف خواهد شد، تا به امروز ادامه پیدا کرده‌است. البته در این مدت نمایی هم از سوی مالکان سینما برای از سرگیری فعالیت‌های آن دیده نشد و حتی شنیده می‌شد که مجوز انحلال سینما گرفته شده‌است. همچنین گمانه‌زنی‌ها برای این بود که ساختمانی بلند مرتبه و تجاری جایگزین سینما می‌شود ولی گویا مجوز این ملک فعلا فقط کاربری فرهنگی دارد. زمانی که خبر تعطیلی این سینما در ایسنا منتشر شد، اظهارنظرهای مختلفی با افسوس و دلنگنی برای از دست رفتن یک سینمایی پر خاطره برای سینمادوستان مطرح شد که البته با واکنش تند محمدحسین فرحبخش - یکی از مالکان سینما- همراه بود. او می‌گفت: آن‌هایی که درباره نوستالژی سینما عصر جدید صحبت می‌کنند چرا در این چند سال به این سینما نیامدند تا فیلم ببینند؟ خودش پیش وجدانشان قضاوت کنند چرا در این سال نیامدند؟ حالا الان در فضای مجازی حس نوستالژیک نسبت به سینما پیدا کرده‌اند؟ همه این‌ها حقه بازی و دروغ است، مثل بقیه چیزها.

❖ **برترین‌ها:** در روزهایی که ایران با چالش‌های گسترده‌ای روبه‌روست، توجه به نمادهای ملی گرایانه از سوی اقشار و جناح‌های مختلف کشور به‌وضوح افزایش یافته است. بخش آهنگ «ایران من» با صدای همایون شجریان در نشست خبری سخنگوی دولت و آهش‌های فاطمه مهاجرانی، یکی از نشانه‌های این همگرایی به شمار می‌رود. گرچه آهک‌های مهاجرانی شاید غیرقابل باور و حتی نمایشی به نظر برسد. این نتوای ملی‌گرایی را حتی در رفتار چهارده‌های مطرحی مثل زاکانی، شهردار تهران نیز می‌توان دید که با اکران بلیلیورد «دور از باد اهر من» در سطح شهر، احساسات ملی را به شیوهای نمادین بیان می‌کنند. این نمودهای احساسی شاید بازتابی از شرایط دشوار فعلی باشد که تلاش می‌کنند تا با تکیه بر ارزش‌های فرهنگی و ملی، حس همبستگی و امید را در جامعه زنده نگه دارند.

اما در این میان، موضوع دیگری وجود دارد که به جای عمق بخشیدن به این حس ملی‌گرایی، تاثیر عکس گذاشته و حتی تا حدی دلزدگی به همراه آورده‌است؛ آن هم مصرف بیش از حد و گاه‌ا نابجای این نمادها و آهنگ‌های ملی است. به عنوان مثال، آهنگ «ایران من» در همایون شجریان که محتوایی غنی واحساس‌برانگیز درباره ایران دارد، به‌گونه‌ای مکرر و بدون در نظر گرفتن بافت اصلی‌اش استفاده می‌شود. در نشست خبری اخیر، آهنگ‌های سخنگوی دولت در واکنش به این آهنگ تأثیر گذار بود، اما این لحظه احساسی با رویکرد اولیه و معنای عمیق‌تر این ترانه همخوانی نداشت؛ چرا که «ایران من» در زمانی متفاوت و با هدفی خاص تر سروده و خوانده شده بود. این رویکرد مصرفی نسبت به آهنگ‌های ملی تنها به همایون شجریان محدود نمی‌شود؛ سالار غفیلی نیز نمونه دیگری از این امر است. آهنگ‌های او با مضمون ایران‌دوستی و افتخار ملی، در موقعیت‌های متعدد و گاهی بی‌ارتباط پخش شده‌اند؛ از رختکن فوتبال ورزشی گرفته تا نام‌یשگاه‌های تجاری. این کاربردهای مکرر و نابجا باعث می‌شود آهنگ‌ها از هویت و ارزش معنوی خود فاصله بگیرند و به نوعی مصرف روزمره و کلیشه‌ای تبدیل شوند که نمی‌تواند همان تأثیر اولیه را بر مخاطبان داشته باشد.

❖ **روزنامه گل در خبری مدعی شد:** گویا دو تن از بازیکنان سرشناس یک تیم پرطرفدار که تابستان امسال هم خریداری شده‌اند، در هتل دیدار خارج از کشور تیمشان دست به اقدام غیر اخلاقی می‌زنند و مهمان‌هایی را به اتاقشان دعوت می‌کنند که کاملاً با چارچوب‌های اخلاقی و قانونی مغایرت داشته‌است.

این دو بازیکن بر حاشیه بدون توجه به دیدار حساس تیمشان برابر رقیب خارجی و درست وسط اردوی تیم، چنین کار دور از شانی انجام داده‌اند. در ادامه یکی از خبرنگاران در واکنش به این خبر ادعا کرد آن‌ها دو بازیکن معروف به نام‌های (رر) و (مزر) هستند.

❖ **رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی دفاتر سفر هوایی، گردشگری و زیارتی استان تهران گفت:** وضعیت گردشگری ورودی ایران در حال حاضر تعریف چندانی ندارد. این بخش گردشگری تقریباً از سال ۱۳۹۸ مدام درگیر بحران است. توره‌ای ورودی در وضع موجود عملاً به صفر رسیده است. از بازارهایی چون ترکیه، چین و روسیه با توجه به تعاملاتی که اخیراً آغاز شده بود، تعداد گردشگران ورودی انگشت‌شمار شده‌و با برنامه سفرشان لغو شده‌است.
باین شرایط برای آینده پیش‌بینی وجود ندارد. اگر وضع به همین‌مانه بماند و تدبیری نشود احتمالاً تا اردیبهشت سال ۱۴۰۴ رکود در گردشگری ادامه داشته باشد.

سفرهای خارجی همچون سفرهای ورودی از تحولات اخیر در منطقه تأثیر پذیرفته و سفر تخته‌های اروپایی با شکل خاصی با درخواست ویزای توریستی شهروندان ایرانی برخورد می‌کنند و تعداد ریجکتی ویزاهای توریستی ایرانی‌ها زیاد شده‌است. توره‌او سفرهای داخلی تحت‌تأثیر دو عامل تورم و تحولات منطقه‌ای قرار گرفته‌است. مردم نه تنها کمتر با تور سفر می‌کنند که لغو شدن پروازها در روزهای اخیر، بسیاری را بر آن داشته‌است فقط در صورت ضرورت از هواپیما استفاده کنند و مسیرهای زمینی را ترجیح دهند. ضرب‌اشغال هتل‌ها کاهش یافته و اقبال از سفرهای تفریحی کمتر شده‌است.
او اضافه کرد: آغاز این هفته با توجه به کنسلی پروازها، در سفرهای هوایی ناسامانی پیش آورد. با وجود آنکه تأخیر بیش از دو ساعت مشمول قانون ابطال است اما ایرلاین‌ها ساعت جدید و با زمان جایگزین به مسافر اعلام کردند، در صورتی که بسیاری از مسافران شرایط جایگزینی نداشتند، بنابراین باز از راه زمینی سفر خود را انجام دادند یا کلا از سفر انصراف دادند.

در حال حاضر ایرلاین‌های امارات و ترکیه کلاسی پروازی نرخ پایین را به روی بازار ایران بسته‌اند و اگر قرار باشد شرایط تحریم ادامه داشته باشد ناچاریم یک شریک غیرایرانی در پروازها داشته باشیم. آنها باید تسهیلاتی بدهند.

❖ **حسن سبحانی،** استاد اقتصاد دانشگاه تهران و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، در بخشی از یک مصاحبه با سایت جماران بیان‌پرو نرخ ارز گفته است: در تمام ۲۵ سال گذشته در کشور ما، یک قیمت مصنوعی به نام «بازار ارز» وجود داشته که شاید ۵درصد را در کشور در آن بازار باشد و سهم اندکی دارد. اما متأسفانه مقامات همیشه به آن قیمت مصنوعی نگاه کرده‌اند، آن قیمت را ملاک قرار داده‌اند و قیمت

واکو بهای انتظار
آن دور ها / چه چیز دارد
که هربار دلنگن می‌شویم! / دوست داریم...
نگاهش کنیم؟
محاسن ص ۳۴۵، ۱۲

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۴:۵۹ | طلوع خورشید ۶:۲۵ | اذان ظهر ۱۲:۴۸ | غروب خورشید ۱۷:۰۹ | اذان مغرب ۱۷:۲۸

نشانی: تهران، خیابان سپهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی: ۰۶۵۲۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۰۱۷۰۰۹۲۰۰
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ | توزیع: دنیای اقتصاد تابان | اجاب: پیام‌همسپری - جام‌چم | اشتراک اینترنتی: www.jaavar.com

سایت‌نگار

طلاق برای ظرف شستن، واکنش‌های سخنگو و سنجاب پر نده

فرآورده‌های نفتی یا برق و برخی کالاهای دیگر را با آن قیمت مصنوعی می‌سنجند. او می‌افزاید: برای نمونه اگر بر فرض یک لیتر بنزین یک دلار باشد؛ اگر قیمت دلار را به بازار آزاد بگیرید یک لیتر بنزین می‌شود ۶۰۰ هزار تومان، اما اگر به قیمت غیر واقعی توجه نکنید و بگویید مثلاً قیمت ارز ۳۰ هزار تومان یا ۳ هزار تومان است، همان ۳۰ هزار تومان سه هزار تومان می‌شود. سبحانی تصریح می‌کند: انتقادات از قیمت پایین بنزین -بر اساس ارز بازار آزاد است، اما کشور ما قیمت کالاهای اساسی و مسائلی از این قبیل را با ارز بازار آزاد تعیین نمی‌کند که اکنون ما بخواهیم قیمت‌ها را با آن بسنجیم. بنابراین باید در بیان این مطالب بسیار دقت شود؛ چرا که آثار روانی بر جامعه تحمیل می‌کند.

❖ **دادستان عمومی و انقلاب کاشمر گفت:** پس از اعلام مرگ مشکوک یک دختر ۱۱ ساله کاشمری که دیروز رخ داد تحقیقات درباره مشخص شدن علت این مرگ آغاز شده‌است.
حجت‌الاسلام اسدحسین بلوچ‌زاده افزود: فوت این دختر در یکی از مراکز درمانی کاشمر با علامت کبودی و شکستگی بر روی بدن به عوامل انتظامی و قضایی گزارش شد. وی ادامه داد: برای مشخص شدن علت فوت و این که آیا مرگ ناشی از اقدام مجرمانه و یا قتل بوده پرونده‌ای از سوی دادستانی تشکیل شده‌است و در این راستا دستور قضایی لازم صادر شده‌است و باز پرس به همراه پلیس آگاهی و پزشکی قانونی در محل حاضر و تحقیقات در رابطه با چگونگی فوت را آغاز کرده‌اند. این دختر بر اساس اعلام دادستان عمومی و انقلاب کاشمر ساکن این شهر بوده‌است.

❖ **جام جم درباره مرافعه طلاق بین یک زوج آن هم به خاطر اختلاف بر سر ظرف شستن پرداخته است:** زن جوان وقتی در مقابل قاضی دادگاه قرار گرفت، درباره ماجرای زندگی‌اش گفت: آقای قاضی، شوهرم مرد بی‌مسئولیتی است. او فکر می‌کند که من باید تمام کارهای خانه را انجام دهم. در تمیز کاری و کارهای خانه هیچ‌وقت کمکم نمی‌کند. حتی یک لیوان را هم جابه‌جانی‌کند.
باین حال در این سه سال او را همین‌طور پذیرفتم و هر کارگاهی فقط غر می‌زد، ولی سعی می‌کردم سر این موضوع با او دعوانا کنم و جنجال رانیندازم. تا این‌که از چند وقت قبل به‌خاطر خشکی پوستم، دستام دچار التهاب شد. تا جایی که به‌خاطر این مسئله خیلی نمی‌توانستم مایع ظرفشویی و حتی مایع دستشویی به دستانم برزنم. بعد از این ماجرا از شوهرم خواستم که در ظرف‌شستن کمکم کند. ولی او هر بار بهانه می‌آورد و حتی یک‌بار هم حاضر نند به‌خاطر من ظرف بشوید. هر بار وقتی از او می‌خواستم ظرف‌ها را بشوید، غر می‌زد و جوری رفتار می‌کرد که من از گفتمه‌ها پشیمان می‌شدم. برای همین خودم با دستکش ظرف‌ها را می‌شستم. اما دیدم رفتارش دیگر خودخواهانه شده و حتی به‌خاطر بیماری هم حاضر نیست در کارها به من کمک کند. برای همین از خریدن پار حاضرنشدم کوتاه بیایم. دو روز ظرف نشستم و او هم سراغ ظرف‌ها نرفت. شب آخر وقتی سرش داد و بیداد کردم که برود و ظرف‌ها را بشوید، سرم فریاد کشید و در نهایت کتکم زد. بعد از آن شب از خانه قهر کردم و حالا هم دیگر حاضر نیستیم در کنار این مرد خودخواه زندگی کنم. او به‌خاطر یک ظرف شستن ساده حاضر شد مرا کتک بزند و از زندگی‌مان گذشت.

برای همین من هم دیگر نمی‌توانم او را تحمل کنم. در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی، من از صبح تا شب در حال کار کردن هستم. شغل من آزاد است و تا آخر شب در مغازه هستم. وقتی به خانه می‌رسم، آن‌قدر سر پا ایستاده‌ام که دیگر نمی‌توانم روی پا بایهم. ایستدم. آن‌قدر خسته‌ام که نمی‌توانم هیچ کاری انجام دهم، در صورتی که همسرم از صبح تا شب خانه‌است. تازه هر از گاهی برای تمیز کاری، کار گر به خانه می‌آورد. اما به خاطر این موضوع مرتب دعوای راهمی‌اندازد. از دم دستش هم خشک شده، می‌تواند با دستکش ظرف بشوید، ولی لجبازی می‌کند. هر شب وقتی خسته‌ا سر کار برمی‌گردم، سر ظرف‌شستن با من دعوا می‌کند. راستش من هم دیگر خسته شده‌ام و نمی‌خواهم در کنار چنین زن غرغرو و لجبازی زندگی کنم.

❖ **سایت هفت صبح نوشت:**استاد سنجاب پرنده بالاخره به آنچه استحقاقش را داشت رسید و یک طلای جهان را به دست آورد. محمدعلی گرایبی در تمام این سال‌ها خبر ساز بود و جنجالی و به جایش می‌دید که برادر کوچکش یعنی محمدرضا مدال‌های مرغوب‌تر را به دست می‌آورد. محمدعلی گرایبی همانی است که در المپیک توکیو در حالیکه پنج بر سه از حریف کروات خود عقب افتاده بود در فاصله ۵ ثانیه کسب به پایان با فن عجیب سنجاب پرنده هم حریف هم دارون شد و او را شک کرد و آوازه حر کتش به شوهای تلویزیونی آمریکا رسید و حیرت استونی داگ. اما کسی حواسش نیست که در آن المپیک این برادر کوچک‌تر بود که طلا برد و محمدعلی در نهایت به مقام پنجم رسید. اما برای محمدعلی انگار فرق نمی‌کرد. او عاشق برادر کوچک‌تر خودش بود. برای همین در سال ۲۰۲۳ وقتی برادر از حریف ژاپنی خود درست وسط اردوی تیم، چنین کار دور از شانی انجام داده‌اند. در ادامه یکی از خبرنگاران در واکنش به این خبر ادعا کرد آن‌ها دو بازیکن معروف به نام‌های (رر) و (مزر) هستند.

❖ **زیارتی استان تهران گفت:** وضعیت گردشگری ورودی ایران در حال حاضر تعریف چندانی ندارد. این بخش گردشگری تقریباً از سال ۱۳۹۸ مدام درگیر بحران است. توره‌ای ورودی در وضع موجود عملاً به صفر رسیده است. از بازارهایی چون ترکیه، چین و روسیه با توجه به تعاملاتی که اخیراً آغاز شده بود، تعداد گردشگران ورودی انگشت‌شمار شده‌و با برنامه سفرشان لغو شده‌است.
باین شرایط برای آینده پیش‌بینی وجود ندارد. اگر وضع به همین‌مانه بماند و تدبیری نشود احتمالاً تا اردیبهشت سال ۱۴۰۴ رکود در گردشگری ادامه داشته باشد.

سفرهای خارجی همچون سفرهای ورودی از تحولات اخیر در منطقه تأثیر پذیرفته و سفر تخته‌های اروپایی با شکل خاصی با درخواست ویزای توریستی شهروندان ایرانی برخورد می‌کنند و تعداد ریجکتی ویزاهای توریستی ایرانی‌ها زیاد شده‌است. توره‌او سفرهای داخلی تحت‌تأثیر دو عامل تورم و تحولات منطقه‌ای قرار گرفته‌است. مردم نه تنها کمتر با تور سفر می‌کنند که لغو شدن پروازها در روزهای اخیر، بسیاری را بر آن داشته‌است فقط در صورت ضرورت از هواپیما استفاده کنند و مسیرهای زمینی را ترجیح دهند. ضرب‌اشغال هتل‌ها کاهش یافته و اقبال از سفرهای تفریحی کمتر شده‌است.
او اضافه کرد: آغاز این هفته با توجه به کنسلی پروازها، در سفرهای هوایی ناسامانی پیش آورد. با وجود آنکه تأخیر بیش از دو ساعت مشمول قانون ابطال است اما ایرلاین‌ها ساعت جدید و با زمان جایگزین به مسافر اعلام کردند، در صورتی که بسیاری از مسافران شرایط جایگزینی نداشتند، بنابراین باز از راه زمینی سفر خود را انجام دادند یا کلا از سفر انصراف دادند.

در حال حاضر ایرلاین‌های امارات و ترکیه کلاسی پروازی نرخ پایین را به روی بازار ایران بسته‌اند و اگر قرار باشد شرایط تحریم ادامه داشته باشد ناچاریم یک شریک غیرایرانی در پروازها داشته باشیم. آنها باید تسهیلاتی بدهند.

❖ **حسن سبحانی،** استاد اقتصاد دانشگاه تهران و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، در بخشی از یک مصاحبه با سایت جماران بیان‌پرو نرخ ارز گفته است: در تمام ۲۵ سال گذشته در کشور ما، یک قیمت مصنوعی به نام «بازار ارز» وجود داشته که شاید ۵درصد را در کشور در آن بازار باشد و سهم اندکی دارد. اما متأسفانه مقامات همیشه به آن قیمت مصنوعی نگاه کرده‌اند، آن قیمت را ملاک قرار داده‌اند و قیمت

کسی بگوید بحث پول بود اشتباه می‌کند، و السلام!



«استاد»، فیلم عبوسی نیست و در اندازه خود بانمک است. حتی فکر می‌کنم اگر هیچکاک چنین فیلمی می‌ساخت مدعی می‌شد که فیلمش کم‌دی است؛ برای اینکه یک بار از او پرسیدند چرا فیلم کم‌دی نمی‌سازید؟ او هم گفت، همه فیلم‌هایی که ساختم کم‌دی هستند، به این معنا که او به موضوع جنایت با کمی شوخ طبعی و گوشه‌لیخندی نگاه می‌کرد و نحوه پرداختش هم به همین شکل بود که به این نوع رفتار انسان‌ها حتی وقتی که جنایت می‌کنند، می‌خندید. براین اساس فکر می‌کنم «استاد» هم پرداخت طنزای دارد که فیلمسازش عصیان نیست، شعر نمی‌دهد و به موقعیت با لیخند یا شاید با یک ته‌لیخند نگاه می‌کند.

ایستا

۴ آبان



اگر داستان به خوبی روایت نشود، مخاطب هم لذت می‌برد. در دهه‌های قبل هم داستان‌ها بود که مخاطب را جذب می‌کرد، کارگردان‌ها و نویسندگان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ ویژگی‌هایی داشتند که شاید اکنون کمتر دیده می‌شود. در نتیجه، خروجی کارهای آن دوران کیفیت بالاتری داشت و همه شادتر بودند. خلاقیت نویسندگان و سازنده‌ها در آن زمان بسیار بیشتر بود. به دلیل فضای مجازی، ارتباطات مردم بسیار افزایش یافته و این باعث شده که هنرمندان ناخودآگاه خودسانسوری کنند. انتقادات زیادی که مردم می‌کنند، بیشتر باعث خودسانسوری می‌شود. ما با عشق و علاقه کار می‌کنیم تا مردم راضی باشند، ولی قضاوت‌های بی‌مورد این اشتیاق را کاهش می‌دهد.

خبرگزاری مهر

۴ آبان



از آنجایی که تهیه‌کننده علاقه‌مند به پولدار شدن هستند، هر بار به سراغ همان هنرپیشه‌های تکراری فیلم‌های پر فروش می‌روند اما آیا آنها مقصر اصلی هستند؟ خیر، آنها با هم مسابقه دارند که چه کسی بیشتر کار کند، دنبال بازار هستند و می‌خواهند پول در بیاورند. در این چند فیلمی که دیدم، اغلب همه مردان داشتند می‌رقصیدند و خانم‌ها دست می‌زدند و به دلیل فضای مجازی، ارتباطات مردم بسیار باید پر قصد؟ مهدی هاشمی با هنرمندان ناخودآگاه خودسانسوری آن رزومه پر و پیمان در سینما چرا می‌رقصد؟ آنها که سینماگر هستند و کارهای خوبی از آنها دیده‌ام، آیا تا این اندازه نیاز به دیده شدن دارند که به رقصیدن روی آورده‌اند تا تماشاگر داشته باشند؟

ایرنا

۸ آبان



قدم از آن حرف‌ها راجع به خودم نبود. قدم‌بیسان بی‌احترامی به آدمی بود که بعد از سی، چهل سال خدمت با چه حقوق حقیری باز نشسته می‌شود. شاید من چهار پنج سال دیگر زنده باشم اما بعد از من خانواده‌ام هم مشکل مالی نخواهد داشت. آنقدر جور کرده‌ام، آنقدر شرم و شعور اقتصادی داشته‌ام که نیاز مادی نداشته باشم؛ هم خودم و هم خانواده‌ام. بعضی‌ها به این شک و شبیه افتاده بودند که اکبر عبیدی نیازمند است و می‌گفتند که شماره کارت بده تا پول بریزیم به حسابش. از این افراد متشکرم و خواهش می‌کنم آن مبلغ را به اولین کسی که نزدیک‌تر است به شما، کمک کنید.

صفحه اینستاگرام

۸ آبان



تقریباً هیچ چیز در سینمای ما مطابق اصول رایج در سینمای دنیا پیش نمی‌رود، این پروژه هم از این قاعده مستثنا نبود؛ شاید باور نکنید ولی من حدود ۲ روز مانده به آغاز فیلمبرداری «تهنگ‌ها» برای بازی در این نقش به گروه پیوستم، در حالی که باید در کل فیلم به یک زبان دیگر حرف می‌زدم و زمان کافی برای یادگیری و آماده‌سازی برای خلق این نقش را نداشتم و با آگاهی از وضعیت موجود این انتخاب، جرأت، جسارت زیاد و تلاش مضاعفی طلب می‌کرد، واکنش با مثبت بود و چه چیز قشنگ‌تر از اینکه بعد از دیدن کار برخی از مخاطبان از من می‌پرسند که شما اصالتاً افغانستانی هستید؟!

خبرگزاری مهر

۹ آبان

ای حبیب من!



از روز گذشته نمایش عمومی فیلم سینمایی «صبحانه با زرافه‌ها» به کارگردانی سروش صحت آغاز شد؛ فیلمی جذاب و حال‌خوب‌کن که رونمایی آن در جشنواره فجر توام با تحسین مخاطبان و منتقدان بود. درباره این فیلم پرونده‌ای ویژه منتشر خواهیم کرد؛ فعلاً چند کلامی درباره یکی از بازیگران آن یعنی هوتن شکیبا می‌نویسیم؛ کسی که از قضا در همکاری با سروش صحت به اوج شهرت دست یافت. او پیش از «لیسانسه‌ها» در تئاتر چهره شناخته‌شده‌ای بود و با این سریال صاحب محبوبیت وافر نزد عموم مخاطبان شد. شکیبا نقش حبیب را در این سریال سه فصلی برعهده داشت؛ پسر جوانی که نه آداب و معاشرت بلد بود، نه تیپ و قیافه درست و حسابی داشت و نه هوش بالایی در او دیده می‌شد اما به خاطر ثروت پدرش، خودش را در جایگاهی والا می‌دید. در عین‌اینکه رفتارش همه را حرص می‌داد اما عامل اصلی جذابیت سریال بود. شکیبا در چند سال اخیر جایگاه ویژه‌ای در سینما به‌دست آورده و اکثر فیلم‌هایش به آثار پر مخاطبی تبدیل شده‌اند. او حالا مجدداً در «صبحانه با زرافه‌ها» با سروش صحت همکاری کرده و ایفاگر یکی از نقش‌های اصلی است. او در موقعیت‌های حساس، رفتاری از خود بروز می‌دهد که باتمام جدیت، باعث خنده مخاطبان می‌شود.

این فیلم‌ها را ببینید

معاون / جمعه / ساعت ۱۴ / شبکه سه



کارگردان: آدام مک‌کی
تهیه‌کننده: برد پیت، دده گاردنر
نویسنده: آدام مک‌کی
بازیگران: کریستین بیل، ایمی آدامز، استیو کارل
محصول: آمریکا / ۲۰۱۸

دیک چنی مردی جوان است که دانشگاه را رها کرده و برای شرکت برق کار می‌کند تا اینکه همسر تحصیلکرده او با تهدید به طلاق او را وادار به عوض کردن شغل خود می‌کند. او به‌عنوان دستیار شخصی یکی از فرماندهان وزارت دفاع آمریکا به نام دونالد رامسفلد شروع به کار می‌کند و رفته‌رفته در کشمکش‌های سیاسی و بین‌المللی دهه‌های هفتاد و هشتاد، آن دو به همکاری ادامه داده و شبکه‌ای از لابی‌های سیاسی و اقتصادی را بنیان می‌گذارند. رفته‌رفته چنی تبدیل به یک چهره مطرح در بین سیاستمداران می‌شود.

دوئل‌بازها / جمعه / ساعت ۱ بامداد / شبکه‌نمایش



کارگردان: ری‌دلی اسکات
تهیه‌کننده: دیوید پاتنام
نویسنده: جوزف کنراد
بازیگران: کیت کارادین، هاروی کایتل، آلبرت فینی، ادوارد فاکس
محصول: آمریکا / ۱۹۷۷

اگر علاقه‌مند به داستان‌های خاص و متفاوت در ژانر تاریخی هستید، از تماشای این فیلم لذت می‌برید. داستان فیلم در قرن هفدهم میلادی می‌گذرد؛ زمانی که ناپلئون بناپارت در فرانسه به قدرت رسید، میان دو سرباز فرانسوی به نام‌های آرماند و گابریل برسر یک توپ، رقابتی سخت به راه افتاد. در این میان برای بیش از یک دهه، آن‌ها همچنان به دشمنی با یکدیگر ادامه می‌دهند. این فیلم برنده جایزه بهترین فیلم اول کارگردان در جشنواره فیلم کن ۱۹۷۷ شد. فیلمنامه آن بر اساس داستان کوتاهی از جوزف کنراد نوشته شده است.

منصور / جمعه / ساعت ۱۸:۳۰ / شبکه‌افق



کارگردان: سیاوش سرمدی
تهیه‌کننده: جلیل شعبانی
فیلمنامه: سیاوش سرمدی
بازیگران: محسن قصابیان، مهدی کوشکی، جواد هاشمی
محصول: ایران / ۱۳۹۹

این فیلم درباره شهید ستاری است که با جدیت به دنبال تهیه هواپیماهای جنگی است تا بتواند رزمندگان را تجهیز کند. در ابتدا آن‌ها با کارخانه ساخت هواپیما همکاری می‌کردند و صرفاً قطعات وارد شده از خارج از کشور را مونتاژ می‌کردند. اما این کارخانه با کارشکنی‌هایش باعث کند شدن و حتی توقف کار آن‌ها و نرسیدن هواپیماها به خلبانان ارتش شده بود. تیمسار ستاری و تیمش ابتدا برای وارد کردن چند هواپیما جنگی اقدام کردند که به‌خاطر حمله آمریکایی‌ها به هواپیماها و بمباران آن‌ها، با شکست مواجه شد و کار به خود کفایی رسید.

صبحانه و باغ و شب!

ایرنا درباره ترکیب جدید اکران نوشت: سروش صحت با دومین فیلم خود و ترکیبی متفاوت از بازیگران کم‌دی به سینماها آمده. کارگردان اثر کالت «شب‌های روشن»، «شگبرگ» را روی پرده نقره‌ای می‌آورد و «باغ کینوش» به عنوان فیلمی متفاوت برای نوجوانان، بزرگ‌ترها را نیز سرگرم می‌کند. نکته قابل توجه درباره «صبحانه با زرافه‌ها»، ترکیب بازیگرانی است که دارد. به جز پژمان جمشیدی، بیژن نبش‌خواه و هوتن شکیبا که پیش‌تر در مدیوم سریال با صحت همکاری کرده بودند، بهرام رادان و هادی حجازی‌فر برای نخستین بار مقابل دوربین صحت رفته‌اند. فرزاد مؤتمن به عنوان کارگردان در حالی با «شگبرگ» به عنوان سیزدهمین اثر سینمایی خود به سینماها بازمی‌گردد که «شب‌های روشن» هنوز خاطره‌انگیزترین فیلم اوست و در یاد فیلم‌بین‌ها مانده است. «باغ کینوش» را رضا کشاورز حداد کارگردانی کرده و این، اولین تجربه سینمایی او بوده است. این فیلم، مخاطب را با شجاعت چند نوجوان همراه می‌کند تا در دل روزهایی که جنگ ایران و عراق به اوج خودش رسیده، از مردم یک روستا دفاع کنند.

پیشنهاد ویژه هفته

ربات وحشی | فیلم‌و فیلم‌نت



کارگردان:

کریس سندرز

نویسنده:

کریس سندرز

تهیه‌کننده:

جف هرمان

بازیگران:

لوپیتا نیونگو، پدرو پاسکال،

کیت کاتنور، بیل نای، استفانی

هسو، مت بری، وینگ ریمز،

مارک همیل

محصول:

آمریکا / ۲۰۲۴

زبان:

انگلیسی / دوبله، زیرنویس

زمان:

۱۰۱ دقیقه

درباره فیلم

کریس سندرز اولین بار به‌واسطه دخترش با یک کتاب آشنا شد؛ اما کتاب را نخواند تا این‌که سال‌ها بعد کمپانی دریم‌ورکز فرصت کارگردانی اقتباسی از آن را به او پیشنهاد کرد. سندرز به محض خواندن کتاب، شیفته داستان شد و احساس کرد که گزینه مناسبی برای این اقتباس سینمایی است. او کتاب را «به‌طور فریب‌آمیزی ساده» و «از نظر احساسی پیچیده» توصیف کرد؛ «ربات وحشی» محصول همین اقتباس است. «ربات وحشی» یک فیلم انیمیشنی علمی-تخیلی در زیرژانر بقا است که براساس رمان سال ۲۰۱۶ پتر براون به همین نام ساخته شده است. اولین نمایش جهانی ربات وحشی در چهل‌ونهمین جشنواره فیلم تورنتو روی داد و با تحسین گسترده منتقدان سراسر جهان روبه‌رو شد. این فیلم با بودجه ۷۸ میلیون دلاری‌اش در گیشه به فروش جهانی بیش از ۱۹۷ میلیون دست پیدا کرده است.

درباره داستان

کشتی باری در جریان طوفان، شش ربات را از دست می‌دهد. ربات‌ها از جزیره‌ای سر درمی‌آورند که هیچ انسانی ساکن آن نیست؛ اما فقط یک ربات از سانحه جان سالم به‌در برده که حیوانات جزیره تصادفاً آن را فعال می‌کنند. ربانی که بعداً با نام «راز» شناخته می‌شود می‌کوشد تا خدماتش را برای حیوانات تبلیغ کند اما تنها موفق می‌شود آن‌ها را به وحشت بیندازد و به خودش صدمه وارد کند. او حتی پس از چند روز تلاش برای ترجمه زبان حیوانات باز هم نمی‌تواند حیوانی را پیدا کند که به کمکش نیاز داشته باشد. به همین خاطر تصمیم می‌گیرد که سازند گانش تماس بگیرد تا او را پس بگیرند اما ناگهان یک خرس گریزلی به نام تورن به دنبال او می‌افتد و راز حین فرار تصادفاً لانه غازی را از بین می‌برد.

واکنش منتقدان

«این بهترین فیلم انیمیشن سال است؟ تا اینجا قطعاً همینطور است؛ و حتی می‌تواند به عنوان بهترین فیلم سال انتخاب شود.» این نظر منتقد آسوشیوتد پرس درباره «ربات وحشی» است که البته به نظر بسیاری از منتقدان سینمایی دیگر هم نزدیک است. منتقد «تلگراف» معتقد است: «به‌سختی می‌شود زمانی را به خاطر آورد که پیشرفته‌ترین صنعت انیمتد به هنر نزدیک شده باشد.» و نیویورک تایمز هم درباره این انیمیشن سینمایی نوشته است: «این فیلم یک موفقیت بهت‌آور در قلمرو انیمیشن است تا حدی که شما توجه سازندگان فیلم به تک‌تک فریم‌ها را احساس می‌کنید. ربات وحشی اثری است که به دو موضوع بیشترین اهمیت را داده است: احساسات پکر بداهه و زیبایی تمام‌عیار.» سایت راجر ایبرت‌دات‌کام هم موضع جالبی دارد؛ «ربات وحشی را حتی می‌توان بدون صدا تماشا کرد و باز هم از آن لذت برد.»

قول هفته | پوریای ولی ساخته می‌شود

پیمان جبلی، رئیس صدا و سیما درباره گلابه‌های اخیر مسعود جعفری جوزانی پیرامون روی زمین ماندن مجموعه تلویزیونی «پوریای ولی» گفت: من با آقای جعفری جوزانی صحبت کردم و کارهای نهایی‌سازی قرارداد فیلمنامه‌اتجام شده است. به‌نظر می‌رسد در آینده‌ای بسیار نزدیک یعنی یکی دو هفته آینده قرارداد پیش‌تولید با تهیه‌کننده متولی امضا خواهد شد.» به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان او ادامه داد: اگرچه سریال «پوریای ولی» یک سریال فاخر تاریخی با هزینه نسبتاً بالااست اما تصمیم‌مان این است این کار را در کنار دو کار پر هزینه دیگر در دست تولید نظیر «سلمان فارسی» و «حضرت موسی (ع)» انجام دهیم.

نکته هفته | دیدار: برای ایده‌های مردم

علیرضا تابش عضو شورای سیاست‌گذاری نخستین جشنواره آثار شبکه‌نمایش خلنگی «دیدار» پیشنهاد جالبی مطرح کرده و گفته است: «یکی از نکاتی که این جشنواره می‌تواند در دستور کار جدی خود قرار دهد، بخش مردمی و استقبال از ایده‌های مردم در تولید محتوای سریال‌ها و فیلم‌ها است. ایده‌های فراوانی وجود دارد که به دلیل عدم دسترسی به سرمایه و تهیه‌کننده عملاً هیچ وقت دیده نمی‌شوند و مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند. اما این جشنواره می‌تواند سکوی برای دریافت ایده‌های مردم و مخاطبان گمنام باشند.» جشنواره «دیدار» با هدف معرفی آثار برگزیده به همت کانون رسانه‌های دیداری و توسط موسسه عصر تکنولوژی پویا برگزار می‌شود.





ورزش ایران و جهان

| روزنامه صبح ایران | سال چهاردهم | شماره ۳۹۰۲ | پنجشنبه | ۱۰ آبان ۱۴۰۳ |

تخته بازی

این یک جمله شما حتما درست است سلطان!

مشخص بود که مصاحبه جنجالی و پر از بازخورد مهدی هاشمی‌نسب با عادل فردوسی‌پور با واکنش‌های زیادی همراه خواهد شد. حتی تعدادی از هواداران پرسپولیسی هم در مصاحبه‌های مختلف به این حرف‌های هاشمی‌نسب واکنش نشان دادند و خب بیشتر آنها همچنان از او عصبانی بودند و حق نمی‌دادند که در این سال‌ها، اینقدر روی اعصاب آنها برود. مهم‌ترین واکنش اما به علی پروین مربوط می‌شد که متهم اصلی جدایی هاشمی‌نسب از پرسپولیس بود. باغی بزرگ فوتبال ایران مدعی بود که رفتارهای پروین بود که باعث شد او مجبور به جدایی از پرسپولیس شود اما پروین ادعا کرده که فقط پای پول در میان بوده‌است. او گفته: من هم بودم می‌رفتم. ۱۰ میلیون تومان کجا و ۱۰۰ میلیون تومان کجا؟ یا ۱۰۰ میلیون تومان خریده و ماشاءالله الان هم زندگی می‌کند. آقای عابدینی ۱۰ میلیون می‌داد، آقای فتح‌الله‌زاده ۱۰۰ میلیون می‌داد. به نظر شما کدام بهتر است؟ بقیه‌اش را خودتان فکر کنید. من پافشاری کردم که آقا برو.» درباره اینکه کدام یک از طرفین در این ماجرا درست می‌گویند، نمی‌شود با قطعیت نظر داد. احتمالاً یکی مثل امیر عابدینی می‌تواند به این تناقضات پایان دهد اما بخشی از حرف‌های پروین کاملاً درست است. او گفته: «من هم بودم می‌رفتم.» و خب علی آقای پروین در این سال‌ها بارها ثابت کرده که به پول علاقه زیادی دارد. کافی است عبارت «حمایت علی پروین از کاندیدای ...» را جستجو کنید تا ببینید که سلطان هیچ پیشنهادی را برای تبلیغ فلان نماینده و فلان رئیس‌جمهور رد نکرده‌است! انصاف‌ها هر جای حرف‌هایش دروغ باشد، این یک جمله‌اش قطعاً درست است و درخورد ندارد!

ایستگاه تراکتور، در بدترین زمان ممکن

استقلال غرق در بحران باید به مصاف تیمی

برود که در خارج از خانه حتی یک امتیاز هم به

میز بانانش نداده است

بدون شک مهم‌ترین تقابل هفته دهم لیگ برتر قرار است در ورزشگاه شهدای شهر قدس برگزار شود؛ جایی‌که استقلال تهران که جزو تیم‌های بحران‌زده لیگ‌برتر محسوب می‌شود، باید در دومین حضور پیتسو موسیمانه روی نیمکت آبی‌ها به مصاف تراکتور تبریز اوج گرفته برود.

آبی‌پوشان پایتخت برای خروج از وضعیت بحرانی پیش از جدال حساس با الهلال عربستان در لیگ نخگان آسیا، بدون شک نیاز مبرمی به کسب پیروزی رو‌حیه‌بخش برابر تراکتور دارند اما تراکتور ۳ دیدار از ۴ مسابقه اخیرش در لیگ‌برتر را با برد به پایان برده و در لیگ قهرمانان آسیا ۲ هم مدعی اصلی صعود از گروه نخست است. در این بیان، آمار استقلال در دیدارهای خانگی مقابل تراکتور در رخشان است و آبی‌پوشان پایتخت امید دارند که با تکیه بر این آمار بتوانند جریان نتایج ضعیف هفته‌های گذشته را کنند و برابر تراکتور به پیروزی برسند.

استقلال، کابوس تراکتوری‌ها در تهران
استقلال‌ها البته بر خلاف رویویی‌های قبلی با تراکتور که در ورزشگاه آزادی تهران برگزار می‌شد، این‌بار در ورزشگاه شهدای شهر قدس قرار است به مصاف تراکتور بروند.

نگاهی به ۹ تقابل اخیر استقلال و تراکتور در تهران (در جریان مسابقات لیگ برتر و جام حذفی) نشان می‌دهد که برتری مطلق از آن آبی‌پوشان پایتخت است؛ چرا که در

گزارش

سیلی اول به سیتی

مورینیوی دوم که

اسپورتینگ را به بهترین تیم

فوتبال پر تغال تبدیل کرد،

می‌خواهد منچستر یونایتد را

نیز احیا کند

وقتی امروزیم ۳۵ساله در مارس ۲۰۲۰هدایت اسپورتینگ لیسبون را برعهده گرفت، یکی از مسئولان باشگاه وضعیت آنها را به «مرده متحرک» تشبیه کرد. اسپورتینگ آن فصل ۲۰۱۹/۲۰ را در جایگاه چهارم به پایان رساند و با ۲۲ امتیاز فاصله از قهرمان، پورتو، امروز سومین مربی آنها در هفت ماه بود.

روحیه و امید در پایین‌ترین حد خود بود
اما تأثیر امروزیم تقریباً بلافاصله بود و او غول‌های خواب‌الود پر تغالی را به اولین قهرمانی لیگ خود پس از ۱۹ سال در فصل بعد هدایت کرد، با تنها یک شکست و تنها ۲گل خورده. از آن زمان، اسپورتینگ یک قهرمانی دیگر در لیگ در فصل ۲۰۲۳/۲۴ به دست آورده و همچنین دو جام اتحادیه و در حال حاضر ۹ پیروزی از ۹ بازی، در صدر جدول قرار دارد. او ممکن است جوان باشد، اما دارای تفکر و ایده‌ای روشن برای بازسازی و احیای قدرت‌های افول کرده با کاریزمای بالا و فلسفه تاکتیکی خاص است که به ندرت تغییر می‌کند.

مرده متحرک منچستر باید برای نوعی احیای مشابه دعا کند

امروزیم دهه گذشته را به این آرزو گذرانده که روزی در لیگ‌برتر انگلیس حضور داشته باشد، به خاطر ارادتش به یکی از سرمربیان پیشین یونایتد، ژوزه مورینیو. پس از بازنشستگی زود هنگام به عنوان بازیکن در سن ۳۲ سالگی، امروزیم وقت خود را در

ایستگاه تراکتور، در بدترین زمان ممکن

۷ مسابقه، استقلال‌ی‌ها توانسته‌اند تیم برتر زمین مسابقه باشند و فقط یک‌بار تراکتور توانسته برنده شود که از آن پیروزی نزدیک به ۸ سال می‌گذرد!
اسکوچیچ به دنبال یک دستاورد بزرگ در پایتخت
دراگان اسکوچیچ که در فصل جاری، سفری به تهران همراه با تیم تراکتور داشت و توانست مقابل هوادار قعر نشین، بردی ۴گله را به‌دست آورد، امیدوار به آن است که بتواند طلسم ایجاد شده در دیدارهای بیرون از خانه تراکتور مقابل استقلال را بشکند. اسکوچیچ که روزهای خوبی را در تهران در قامت سرمربی تیم ملی گذرانده، امید به آن دارد که موفق شود طلسم ۲۸۸۳ روز ایجاد شده را از بین ببرد و بعد از ۸ بازی پیاپی ناکامی تراکتور مقابل استقلال در تهران، این تیم پر طرفدار را شکست بدهد.

تراکتور، بی‌رحم‌ترین میهمان فصل
سرخ‌پوشان تبریزی با وجود آنکه یک دیدار معوقه بیرون از خانه برابر گل‌گهر سیرجان دارند اما توانسته‌اند در فصل جاری، عملکردی خیره‌کننده از خود در قامت تیم میهمان به جای بگذارند؛ به‌طوری‌که سرخ‌پوشان تبریزی با کسب ۴ برد در ۴ مسابقه در دیدارهای بیرون از خانه، عنوان بهترین تیم میهمان فصل را فعلاً از آن خود کنند. تراکتور ابتدا در رفسنجان مس را با دو



دانشکده علوم حرکتی دانشگاه لیسبون گذراند و به سخنرانی‌هایی که خود ژوزه برگزار می‌کرد گوش می‌داد. او که اغلب به عنوان مورینیوی ۲ شناخته می‌شود، در سال ۲۰۱۸ یک هفته را به عنوان کارآموز در مرکز تمرینی کارینگتون یونایتد با مربی مورد علاقه‌اش گذراند و او را به عنوان الگوی خود معرفی کرد.

اموریم در کنفرانس‌های مطبوعاتی به عنوان یک «استاد سخنوری» توصیف می‌شود، نابغه‌ای در ساندن پیامش، ایجاد یک روایت و دور کردن فشار از روی بازیکنانش. یک منبع نزدیک به امروزیم که سان‌اسپورت گفت: «هیچ‌کس مانند او نیست.» در او نوعی غرور قابل تحسین وجود دارد که با موفقیت‌های اولیه‌اش پشتیبانی می‌شود، از جمله تبدیل شدن به یکی از گران‌ترین مربیان تاریخ پس از انتقال ۸/۶۵میلیون پوندی‌اش از براگا به اسپورتینگ. تابستان امسال نماینده‌های او رزومه‌اش را به باشگاه‌های بزرگ ارسال کردند و اصرار داشتند: «زمانی که دو عنوان قهرمانی کسب کرده‌اید، نیازی به رزومه ندارید.» امروزیم خواستار حق تصمیم‌گیری نهایی در تصمیمات فوتبالی هنگام پذیرش مسئولیت در یک باشگاه می‌شود.

پس از بازنشستگی، به او نقشی در تیم دوم بنفیکا پیشنهاد شد، پس از اینکه ۱۵۰ بازی برای این باشگاه در طول هفت سال انجام داد اما به جای آن براگا را انتخاب کرد، جایی که کنترل بیشتری خواهد داشت. هیچ پاسخی برای آن ندارد.

اگر ذوب‌آهن نبود، الان استقلالی بودی مسلمان!

بعد از مدت‌ها سر و کله محسن مسلمان پیدا شد و او را در برنامه فاخر و جذاب سرگیجه‌رویت کردیم. قابل پیش‌بینی هم بود که بعد از غیبتی طولانی در رسانه‌ها، حضور او در این برنامه حسایی سر و صدا کند و هم‌بطور هم شد. مسلمان در این برنامه حرف‌های جنجالی زد. از جمله معرفی رامین رضائیان به عنوان رو مخ‌ترین همبازی‌اش! او همچنین مدعی شد که یکی از آشن‌های قراردادش در پرسپولیسی این بود که اگر تا پایان فصل دعا نکند، ۱۰۰ میلیون تومان به دریافتی‌اش اضافه خواهد شد. اما عجیب‌ترین بخش صحبت‌های او، پاسخش به این سوال بود که در ازای چه مبلغی حاضر است به استقلال برود. مسلمان خیلی با قطعیت گفت: هیچی و وقتی از او پرسیده شد چرا؟ در پاسخ گفت: اینجا که هستم صدقه سر پرسپولیس است! البته جایی که او بود جای خاصی هم نبود که به آن افتخار کند. چراکه خیلی‌ها در تیم‌های دیگر به جاهایی بهتر و بالاتر از او رسیده بودند اما نمی‌دانیم چرا اصرار داشت که حاضر نیست در ازای هیچ مبلغی به استقلال برود. او وقتی در اوج بود، با پیشنهاد استقلال روبه‌رو شد و تصاویرش با پیراهن استقلال در دست، منتشر شد. او قرارداد داخلی هم با استقلال امضا کرده‌بود اما به اعتراف خودش مشکلاتی که باشگاه ذوب‌آهن ایجاد کرد باعث شد این انتقال صورت نگیرد. حالا شما بگویید، بازیکنی که در اوج، با باشگاه رقیب قرارداد داخلی بسته، حالا که چند سال است هیچ تیمی او را نمی‌خواهد، امکان ندارد دوباره با پیشنهاد همان تیم رقیب وسوسه شود و پاسخ مثبت بدهد؟



خود در آمار و ارقام گرفته باشند.

لشکر آبی‌های تراکتور

در اردوی قرمز پوشان ششش بازیکن سابقه حضور در استقلال را دارند. حسین پورحمیدی، محمد نادری، عارف آقاسی،

عارف غلامی، مهدی شیریی و امیرحسین حسین‌زاده این ششش نفر هستند که شاید رویارویی حسین‌زاده که در شرایط فوق‌العاده‌ای قرار دارد، در برابر تیم سابق خود جالب توجه‌تر باشد این در حالی است که هیچ بازیکن کنونی استقلال سابقه پوشیدن پیراهن تراکتور را در کارنامه ندارد.

پرسپولیسی‌ها هم کم نیستند

علاوه بر استقلالی‌های سابق، در ترکیب تراکتور چند پرسپولیسی سابق هم قرار دارند که انگیزه آنها هم برای این بازی بالاست. کارکسب ۱۴ پیروزی برای آبی‌پوشان و ۱۱ برد برای تی‌تی‌ها بوده و ۹ بازی هم به تساوی انجامیده است. همچنین ۹ تقابل اخیر دو تیم با ۷ برد استقلال همراه بوده و تراکتور فقط یک مرتبه برنده شده تا آبی‌ها در بازی‌های اخیر سبقت خوبی از حریف فردای

بلا تکلیف مثل مسعود و محرم

مدیران باشگاه استقلال با پیتو موسیمانه به توافق رسیدند، شمس‌آذری‌ها با رضا مهاجری توافق کردند و سکان هدایت خبیر خرم‌آباد هم به سعید ذقیقی رسید اما در این بین، همچنان نیمکت مس رفسنجان شرایط نابسامانی دارد و خبری رسمی درباره انتخاب جانشین محرم نویدکیا از سوی مدیران باشگاه مس اعلام نشده است؛ آن‌هم در حالی‌که او بعد از جدال با شمس‌آذر قزوین بود که از سمت خود کناره‌گیری کرد و حالا در فاصله حدود ۸ هفته بعد از استعفاي نویدکیا، همچنان خبری از تعیین تکلیف نیمکت مس نیست.

نارنجی‌پوشان زیر نظر شجاعی تمرین می‌کنند اما ...

مسی‌ها بعد از استعفاي محرم نویدکیا، به سراغ مذاکره با گزینه‌های مختلف رفتند و در این بین، از جواد نکونام و مسعود شجاعی به عنوان جدی‌ترین گزینه‌های جانشینی نویدکیا یاد شد. بعد از عدم توافق با نکونام، تمرکز مدیران باشگاه مس بر توافق با شجاعی بود و در این زمینه گفته می‌شود که توافقات نهایی شده و حتی در دیدار قبلی با ملوان بندرآزلی، شجاعی در ورزشگاه هم حضور یافته و در روزهای گذشته تمرینات نارنجی‌پوشان هم زیر نظر مسعود شجاعی دنبال شده اما فعلاً خبری از نهایی شدن قرارداد این سرمربی جوان نیست تا بلا تکلیفی نیمکت مس رفسنجان ادامه‌دار باشد.

هم پای محرم در میان است، هم پای مدیرعامل!

محرم نویدکیا هنوز در مسئله مسائل مالی با مدیران باشگاه مس به توافق نرسیده و گفته می‌شود همین به سبب باعث عدم فسخ قرارداد او با نارنجی‌پوشان شده تا عملاً امکان ثبت قرارداد سرمربی جدید وجود نداشته باشد. از سوی دیگر گفته می‌شود که جایگاه حسین پورمحمدی روی کرسی مدیرعامل باشگاه مس به لرزه در آمده و احتمال پایان همکاری قریب‌الوقوع مسی‌ها با پورمحمدی وجود دارد که در این‌صورت، امکان تغییر سرنوشت مسعود شجاعی و انتخاب یک گزینه دیگر به عنوان سرمربی هم دور از ذهن نیست!

استقلالی سابق، جدی‌ترین گزینه مدیرعاملی مس

مسئولان شرکت مس هنوز رسماً نسبت به شایعات م مرتبط با ساختار مدیریتی باشگاه مس رفسنجان واکنش نشان نداده‌اند اما در این بین گفته می‌شود که احتمال معارفه محمد مومنی، بازیکن پیشین و عضو سابق هیات‌مدیره باشگاه استقلال در نقش مدیرعامل جدید باشگاه مس وجود دارد. هر چند نام گزینه‌های دیگری هم به میان آمده اما به نظر می‌رسد مومنی از بیشترین شانس برای پذیرش سکان مدیرعاملی باشگاه مس برخوردار است که در این‌صورت احتمالاً ابعادلات آینده نیمکت مس تغییر می‌کند و حتی برخی گمانه‌زنی‌ها از احتمال بازگشت محرم نویدکیا به مس (در صورت تغییر مدیرعامل) حکایت دارد.

فعلاً تحت هدایت پیروانی به میدان می‌رود

مسی‌ها که فقط امتیاز دارند و در رتبه چهاردهم جدول نام‌شان به چشم می‌خورد، تا پیش از تعطیلات فیفادی باید ۲ دیدار خود را برنارنجی‌مازندران و استقلال تهران را انجام بدهند که به نظر می‌رسد برای خروج از وضعیت بحرانی کار بسیار دشواری دارند.

منبع: فوتبال ۳۶۰

گوشه و کنار مستطیل سبز

آخرین درخواست تن‌هاگ قبل از اخراج چه بود؟

رسانه‌های انگلیسی گزارش داده‌اند که اریک تن‌هاگ قبل از برکناری‌اش در روز دوشنبه، از مدیران منچستر یونایتد چهار بازیکن سطح بالا خواسته بود. به گفته دبلی‌میل، یکی از انتخاب‌های او بازیکنی از بارسلونا و دیگری از رئال مادرید بوده است، علاوه بر دو فوتبالیست سرشناس دیگر، باشگاه برای تن‌هاگ بیش از ۷۰۰ میلیون یورو برای خرید بازیکن در دوران حضورش روی نیمکت شیاطین سرخ هزینه کرد اما هیچ‌یک از چهار بازیکنی که او می‌خواست، خریداری نشدند. یکی از آن‌ها فدریکو ولورده، هافبک اروگوئه‌ای رئال مادرید بود. همچنین در لیست اولویت‌های او نام شاگرد سابقش، فرانکی دی‌پونگ نیز وجود داشت. تن‌هاگ نتوانست باشگاه را متقاعد کند که این بازیکنان را به خدمت بگیرد، همچنین دو هدف اصلی دیگرش: الکسیس مک‌الیستر (لیورپول) و هری کین (بایرن مونیخ) نیز به همین سرنوشت دچار شدند. به نظر می‌رسد منچستر یونایتد در حال بازسازی اقتصادی، به این مربی گفته است که درخواست‌های او فراتر از امکانات باشگاه است. یونایتد به زودی جانشین تن‌هاگ را اعلام خواهد کرد: روبن اموریم پرتغالی. منچستر یونایتد در حال حاضر در رده ۱۴ جدول لیگ برتر قرار دارد و تنها ۱۱ امتیاز از ۹ بازی کسب کرده است که بدترین شروع فصل آن‌ها در لیگ‌برتر به شمار می‌رود.

رد دوباره پیشنهاد لیورپول: آرنولد ماندنی نیست

قرارداد الکساندر آرنولد با لیورپول در پایان فصل جاری به اتمام می‌رسد و همین باعث شده است که مدیران این باشگاه به صورت جدی از مدتی قبل به دنبال امضای قرارداد جدیدی با او باشند و پیشنهادهای متفاوتی را به این بازیکن ارائه کنند، اما به نظر نمی‌رسد که او قصد ادامه این همکاری را داشته باشد. پیش از این رسانه‌های انگلیسی خبر داده بودند که این بازیکن تا به حال به چند پیشنهادی که از سوی لیورپول به دستش رسیده پاسخ منفی داده و حاضر نیست که قراردادش را با این باشگاه تمدید کند و به احتمال زیاد قصد دارد در پایان فصل به عنوان بازیکن آزاد و به صورت رایگان لیورپول را ترک کند و مقصد احتمالی او رئال مادرید خواهد بود. حالا روزنامه اسپورت مدعی شده است که این بازیکن بار دیگر چند پیشنهاد که از سوسی این باشگاه دریافت کرده بود را رد کرده تا نشان دهد که تصمیمش را در این باره گرفته است و قصد دارد در تابستان سال آینده به دنبال کسب تجربه جدیدی در زندگی حرفه‌ای و فوتبالش برود. علاوه بر آرنولد، قرارداد محمد صلاح هم در سال آینده هم به پایان می‌رسد.

خطر محرومیت نقل‌وانتقالاتی در کمین استقلال

پرونده شکایت ارسلان مطهری علیه باشگاه استقلال در آستانه صدور یکی از بحث‌برانگیزترین احکام سال‌های اخیر است. این شکایت در شرایطی به مراحل نهایی نزدیک شده که مدیران استقلال به دلیل وضعیت بحرانی تیم‌شان از تمرکز کافی بر این موضوع بازمانده‌اند. اگرچه طی این مدت تلاش شد تا فرآیند دادرسی در سکوت انجام شود، اما اکنون به گوش می‌رسد حکم این پرونده به‌زودی صادر خواهد شد و ممکن است عواقب سنگینی برای استقلال داشته باشد. در صورتی که رأی این پرونده علیه استقلال صادر شود، باشگاه احتمالاً با محرومیت از فعالیت‌های نقل‌وانتقالاتی مواجه خواهد شد. این محرومیت ضربه بزرگی به استقلال خواهد زد، چرا که در نیم‌فصل دوم و فصل آینده نمی‌تواند ترکیب بازیکنان خود را تقویت کند یا تغییر دهد. در نتیجه، استقلال مجبور خواهد بود با همین ترکیب فعلی به مسابقات ادامه دهد که برای تیمی در چنین شرایط بحرانی می‌تواند چالش‌های بزرگی به‌همراه داشته باشد. این اتفاقات در حالی رخ می‌دهد که سرمربی جدید و آفریقایی استقلال، پیتسو موسیمانه، از بحران‌های مدیریتی و حقوقی پیش‌آمده بی‌خبر است.

یک غایب دیگر به استقلال تحمیل شد

استقلال در شرایطی برای مسابقه با تراکتور آماده می‌شود که چند بازیکن این تیم به دلیل مصدومیت قادر به همراهی تیم خود نخواهند بود. بعد از مصدومیت‌هایی که برای مهرداد محمدی و ایمان سلیمی پیش آمد و مشخص شد آنها در بازی با تراکتور هم غایب هستند، حالا یک مصدوم دیگر روی دست آبی‌ها مانده است. آرش رضاوند، هافبک باتجربه استقلال‌ی‌ها، از ناحیه‌میچ با دچار مصدومیت شد و قادر به همراهی تیم خود مقابل تراکتور در هفته دهم لیگ برتر نیست. پزشکان استقلال مشغول مداوای رضاوند هستند تا او هرچه سریع‌تر به تمرینات گروهی برگردد اما این هافبک قطعاً مسابقه روز پنجشنبه مقابل تراکتور را دست داده است.

فراخوان دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده

انجمن تجارت الکترونیک استان تهران
شماره ثبت ۴۷۶۵۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۴۵۵۵۸۲

بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم انجمن تجارت الکترونیک استان تهران با شماره ثبت ۴۷۶۵۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۴۵۵۵۸۲ دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده که در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۲/۱۴ ساعت ۱۰ صبح ساختمان اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران به آدرس تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، کوچه میرزا حسنی، پلاک ۱۸ طبقه اول سالن همایش امین‌الضرب به کد پستی ۱۵۸۶۷۵۳۹۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

- استماع گزارش هیأت مدیره در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹ و استماع گزارش بازرس قانونی؛
- تصویب صورت‌های مالی و ترازنامه انجمن در سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹
- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
- تعیین ورود به حق عضویت سالیانه
- انتخاب بازرسین قانونی اصلی و علی‌البدل سال مالی ۱۴۰۳ و تعیین حق الزحمه آنها.
- تصمیم‌گیری در رابطه با سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده می‌باشد.

هیئت مدیره انجمن تجارت الکترونیک استان تهران

فراخوان دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده

انجمن تجارت الکترونیک استان تهران
شماره ثبت ۴۷۶۵۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۴۵۵۵۸۲

بدینوسیله از اعضای محترم انجمن تجارت الکترونیک استان تهران با شماره ثبت ۴۷۶۵۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۴۵۵۵۸۲ دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۲/۱۴ ساعت ۸ صبح در ساختمان اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران به آدرس تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، کوچه میرزا حسنی، پلاک ۱۸ طبقه اول سالن همایش امین‌الضرب به کد پستی ۱۵۸۶۷۵۳۹۱۴ برگزار میگردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه به شرح ذیل میباشد:

- تصویب اساسنامه جدید انجمن تجارت الکترونیک استان تهران

هیئت مدیره انجمن تجارت الکترونیک استان تهران

در کنکور امسال بچه‌های انسانی هم پزشکی قبول شدند!

صفحه ۱۴

۲۵۰ فیلم . شمارش معکوس -۱۳

منزوی‌ها و اشتباهی‌ها

سیزدهمین قسمت از یاورقی جدید کم. گذری از ۲۵۰ فیلم مورد علاقه‌ام و در یک شمارش معکوس. شاید انتخاب مثلا ۱۰۰ فیلم معقول تر بود اما هر کاری کردم فهرستم کمتر از ۲۵۰ فیلم نشد. آن دسته از فیلم‌های ایرانی هم که به نظرم جذاب می‌آمدند، در لایه‌لای این نام‌های بزرگ تاریخ سینما ارائه می‌شوند. بسیاری از فیلم‌های بزرگ تاریخ سینما در این فهرست هستند و بسیاری هم نیستند اما به نظرم همین غیرقابل پیش‌بینی بودن این فهرست می‌تواند از نقاط قوتش باشد! کم کم داریم به قسمت‌های خوب این شمارش معکوس نزدیک می‌شویم. این هفته در میان فیلم‌های معرفی شده کلی آثار مشهور تاریخ سینما قرار دارند.



۱۲۹- مرد عوضی. یکی از آن دسته فیلم‌های تجربی هیچکاک آن هم در دل هالیوود. یک داستان پر تعلیق هیچکاک‌ی در فضای معمولی شهر و بانبوهی از بازیگران و چهره‌های آمانور و فقط دو بازیگر اصلی هالیوودی. داستان دستگیری یک نوازنده نجیب خانواده دوست به جرم سرقت از یک شرکت بیمه. آن‌هم فقط به خاطر شباهت ظاهری. مسئله‌ای که موجب می‌شود او تا پای حبس پیش برود. زوج هنری فاندو و اورامیل و استیصالی که زندگی آنها را تا پای فروپاشی پیش می‌برد از برگ‌های برنده کارنامه هیچکاک است.

The wrong man. 1956

۱۲۸- دختران روشفور. موزیکال فرح و پر تحرک ژاک دمی با استفاده از فضای روشن و پر نور یک شهر ساحلی فرانسه و مهم‌تر از آن استفاده از زوج خواهر کم نظیر سینما یعنی فرانسواز دور لاکا و کاترین دونوو. یک‌سال بعد دور لاکا بر اثر یک تصادف رانندگی کشته می‌شود. دختران روشفور بر است از ارجاعات منحصر به فرد به تاریخ سینما و بخصوص موزیکال‌های کلاسیک.

Les Demoiselles de Rochefort. 1967

۱۲۷- تعطیلات موسیو اولو. دومین فیلم ژاک تاتی و اولین فیلم مهم. او. شخصیت ماندگار موسیو اولو نخستین بار در این فیلم ظاهر می‌شود؛ مردی با پپی و خوش‌قلب اما دست‌وپاچلفتی که در چند فیلم بعدی تاتی همچون دایی من (۱۹۵۸)، زنگ تفریح (۱۹۶۷) و ترافیک (۱۹۷۱) نیز حضور دارد. تاتی سنت کمدی‌های عصر کلاسیک هالیوود را می‌گیرد و بانبوغ خود آنها را به اوج می‌رساند. Mr. Hulot's Holiday. 1953

۱۲۶- مردی که می‌خواست سلطان باشد. فیلم قدر نادیده جان هیوستن بر مبنای داستانی از رودیارد کیپلینگ. سفر دو مرد شارلاتان انگلیسی به کافرستان. جایی در رشته کوه‌های پامیر. جایی که این دو نفر بر اثر حادثه‌ای باهمان منجی موعودشان اشتباه گرفته می‌شوند و سپس با وحشت هجوم توده‌های خشمگین رودرو می‌شوند. با بازی‌های درخشان شون کناری و مایکل کین و پر از حس ماجراجویی و اضطراب لذتبخش آن. The man who would be king. 1975

۱۲۵- گرمای شدید (شاید هم تعقیب بزرگ). آخرین فیلم مهم فریتس لانگ. داستان پلیسی با بازی کلن فورد که تقاض در افتادنش با سر کرده تهپکاران سازمان یافته شهرش را با کشته شدن همسرش بر اثر بمب گذاری می‌دهد. و از این پس او تشنه انتقام است. مهم‌ترین شخصیت فیلم ماگلوریا گراهام در نقش معشوقه یکی از تهپکاران اصلی است که با نوعی معصومیت و شادابی کودکانه نقش خود را ایفا می‌کند و دست آخر فرجام تلخی انتظارش را می‌کشد.

Big heat. 1953

۱۲۴- سامورایی. فیلم مشهور ژان پی یو ملویل که بخصوص در ایران بسیار محبوب است و جزو مقدسات سینمادوستان محسوب می‌شود. آلن دلون در نقش یک آدمکش حرفه‌ای شمالی افسانه‌ای پیدا می‌کند. او دیگر نه یک آدمکش که انگار یک راهب معبد شیائولین است. فیلم از بهترین میزانشن‌های سینمای ملویل سود می‌برد و معجزه انشیا را به نمایش می‌گذارد. سامورایی بهترین هنر نمایی کارنامه شلوع آلن دلون به عنوان یک بازیگر است.

Le samurai. 1967



۱۲۳- به خدا و گذارش کن. ملودرام سیاه ساخته جان ام استال با بازی‌های خوب جن تیرنی بسیار زیبا و دانا اندروز که آن سال‌ها مهم‌ترین ستاره هالیوود بود. درباره عشق مریض و تباه کننده یک دختر عجیب به یک مرد نویسنده که پایانی غیرمرتبه و بسیار تراژیک پیدا می‌کند. از اولین فیلم‌هایی که مسئله رنگ به شکل کنترل شده و معنادار نمود پیدا کرده است.

Leave her to heaven. 1945

۱۲۲- بتمن باز می‌گردد. بهترین فیلم تیم برتون که به شکلی ناخواسته و در پشت ظاهر کود کانه‌اش اثری انتقادی نسبت به دنیای سرمایه‌داری است. بتمن در این فیلم به جز در دسر هایش با شخصیت شرور داستان با بازی کریستف واکن، درگیر کت ووممن با زیباترین میشل فایفر تاریخ و مرد پنگوئن با بازی دنی دونوینو است. فیلم مرثیه‌ای همدلانه برای منزویان و دوزخیان و مطرودین جامعه است و از حس شفقت خارق‌العاده‌ای برخوردار است. بتمن باز می‌گردد را حتما ببینید.

Batman returns. 1992

۱۲۱- اتاق طبقه بالا. اقتباس هوشمندانه جک کلایتون از نولوی نوشته جان برین. اسم فیلم در واقع اتاقی در محله بالا شهر است اما در ایران به عنوان اتاق طبقه بالا مشهور شده است. زوج لارنس هاروی و سیمون سینیره شیمی غریبی را به فیلم تزریق می‌کنند. یکی از بهترین فیلم‌های موج نوی ملایم سینمای انگلیس که در اواخر دهه پنجاه به راه افتاد و بر عکس موج نوی فرانسه بازتاب شدیدی در سینمای جهان نداشت اما به تولید چندین فیلم متفاوت منتهی شد که اتاق طبقه بالا احتمالا بهترین نمونه آنهاست که به ملودرام‌های آشپزخانه‌ای معروف شدند. Room at the top. 1959

پنجشنبه | ۱۰ آبان ۱۴۰۳ | شماره ۳۹۰۳

آخر هفته ۲

ثروتمندان خوش قیافه بر پرده نقره‌ای

عنوان ثروتمندترین بازیگر فعلی سینمای ایران چند مدعی بزرگ دارد



و نه ردی از خانه و ِسا ثروت او در جایی زده شده است. با این حال اخبار پر است از چانه زدن‌های او برای بستن قراردادهای گرانتر با تهیه‌کننده‌ها و گرفتن دستمزدهای خارق‌العاده و سهیم شدن در فروش فیلم‌هایش. او یک کم‌دین خلاق و پیچیده است که در کارگردانی فیلم‌ها و سریال‌ها هم سبک منحصر به فرد خود را دارد. یک سبک خلاق چرکا مطمئنا ثروت اندوخته شده و در دنیای سینما سر به فلک می‌کشد. او ۵۵ ساله است.

● نوید محمدزاده. ظهور صاعقه وارش در عرصه سینمای اجتماعی و توانایی‌اش در تپ ساز و بازی با چهره و صدا و بدن او را به آس سینمای ایران در نیمه دوم دهه نود بدل کرد. ثروت او عمدتا به خاطر چند قرارداد طویل‌المدت برای بازی در سریال‌ها شکل گرفته که مهم‌ترین آنها سریال قورباغه بود. او ۲۸ ساله است و از یک خانواده پرجمعیت ایلامی‌الاصل بلند شده است. یک بازیگر مسلط و حرفه‌ای محسوب می‌شود که در پروژه‌های متنابو سینما و سریال و تئاتر ظاهر می‌شود و به یک چهره معروف در جامعه ایرانی بدل شده است. ذائقه‌اش در لباس پوشیدن بر خلاف ترندهای روز، ابراز احترام عمیقش به بازیگران قدیمی سینما و همین‌طور همسر جوان و اهل افغانستان (فرشته حسینی) از دیگر ساید افکت‌های زندگی نوید محمدزاده هستند. بسیاری او را

جزو مهم‌ترین استعدادهای بازیگری تاریخ سینمای ایران می‌دانند. شهره آغداشلو در یک اظهارنظر جنجالی او را حتی برتر از بهروز وثوقی قلمداد کرده است. با این حال نمودهای ثروت بی‌کرانش چندان مشخص نیستند و او موفق شده این ماجرا را کنترل کند.

● بهرام رادان. بازیگر چشم‌آبی سینمای ایران که بازیگر نسبتا خوبی است و مدام در حال بهتر شدن هم هست اما شو و قریحه مهم او سرمایه‌گذاری‌های پیاپی در عرصه‌های دیگر اقتصادی است. مثل کافی شاپ‌های زنجیره‌ای، ساخت و ساز، فروشگاه‌های زنجیره‌ای لباس‌های چرم، برندهای خارجی لباس، تورسم، رستوران

و دیگر عرصه‌ها و عموما هم به خاطر انضباط ذاتی و شخص‌اش به نتایج خوبی دست یافته و در حال حاضر جزو ثروتمندترین بازیگران سینمای ایران محسوب می‌شود. مضاف بر این که بازی در سریال طولانی جبران، برند روبه‌زوال او در عرصه سینما را دوباره احیا کرده است. او ۴۴ ساله است و دو سالی است که به چرخ متاهلین پیوسته است. اتومبیل شخصی‌اش یک پورشه کاین است.

● پژمان جمشیدی. یک ماه پیش اعلام شد که فروش مجموع فیلم‌های جمشیدی از هزار میلیارد تومان گذشته است. او در

بازی با مالکیت توپ بود، شکست برابر بوخوم، وردربرمن و هایدنهایم در دیدارهایی رخ داد که باینر بیشتر از ۶۵درصد مالکیت توپ داشت- با فاصله‌ای که اغلب ایجاد می‌شد و ضربه اصلی روی ضدحملات از همین نقطه وارد می‌شد. در یافت ۱۰ گل توسط باینر از روی حملات مستقیم (جانسنینی برای ضدحمله) یعنی آنها در جایگاه پنجم دریافت بیشترین گل به این شکل در بوندسلیگای فصل گذشته قرار داشتند. برای مثال، بایرلورکوزن که رقیب آنها در کورس قهرمانی بود فقط دو گل به این شکل دریافت کرد.

باینر در لیگ قهرمانان راحت‌تر به نظر می‌رسید و توانست پیش از حذف برابر رئال مادرید در یک بازی نزدیک تا حله نیمه نهایی هم صعود کند اما مشخص بود که آنها توانسته بودند فضای بیشتری مقابل تیم‌هایی که مایل بودند شانه به شانه‌شان پیش بروند، پیدا کنند. این نکته تاکتیکی مهمی است که ارزش بررسی از دیدگاه انگلیسی را دارد چون این تیم مضلات خودش را در عبور از تیم‌هایی سا دفاع عمقی یا اصطلاحا ضعیف‌تر در سطح ملی دارد. یکی از وظایف اصلی توخل این خواهد بود که مطمئن شود ناامیدی‌ای که در دوران گرت ساوت‌گیت افزایش پیدا کرده بود، در دوران او تکرار نخواهد شد. با وجود بن‌بست‌های گاه و بی‌گاه و باخت‌های از روی ضدشناسی و لحظه آخری، آمارهای اصلی نشان می‌دهد که تیم باینر او در هر دو محوطه جریحه بر توپ و میدان مسلط بود. رقابت با لورکوزن شکست ناپذیر تاریخ‌ساز در تصور آنها نمی‌گنجید اما باینر با تفاضل گل‌های مورد انتظار ۱۶ در هر ۹۰ دقیقه- که کیفیت موقعیت‌های خلق شده توسط این تیم و موقعیت‌های خلق شده روی دروازه این تیم را حساب می‌کند- نه تنها بهترین آمار در بوندسلیگا بود، بلکه بالاتر از هر تیم دیگری در پنج لیگ معتبر اروپایی در فصل ۲۳-۲۴ قرار داشت.

به صورت کلی، ترجیح این مربی ۵۱ساله به ساختار هجومی کم‌عرض احتمالا معطوف به استفاده از کول پالمر، فیل فودن و جود بیلنگام خواهد شد. بازی با دوازده یکن شماره ۱۰- کاری جزو مهم‌ترین استعدادهای بازیگری تاریخ سینمای ایران می‌دانند. شهره آغداشلو در یک اظهارنظر جنجالی او را حتی برتر از بهروز وثوقی قلمداد کرده است. با این حال نمودهای ثروت بی‌کرانش چندان مشخص نیستند و او موفق شده این ماجرا را کنترل کند.

مرد تنها

زیر عکس نوشته بود: «اسفندیار منفردزاده در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو فرح»

شاید این عکس مربوط به آن دوره‌ای است که منفردزاده هنوز به چپ گرایش پیدا نکرده بود. چون از دوره‌ای به بعد، او با تمایل به چپ، آثاری با مضمون سیاسی ساخت. ترانه‌هایی همچون «جمعه» بر اساس شعری از شهیار قنبری و «شبانه» بر اساس شعری از احمد شاملو. هر دواثر با صدای فرهاد. آن سال‌ها اغلب هنرمندان پیشرو، چپ بودند. یکی از آنها، اسفندیار منفردزاده که با ساخت

چند اثر به یکی از مشهورترین و معتبرترین آهنگسازان تاریخ کشور بدل شد. او در بازه‌ای کوتاه چند ساله آثار درخشانی خلق کرد که همگی در شمار بهترین و ماندگارترین آثار موسیقایی کشورند. چه آثاری که برای سینما ساخت، چه برای ترانه و چه برای صفحات شعر با صدای شاعر که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر می‌کرد. او خالق چند ملودی ماندگار برای فیلم‌های مسعود کیمیایی بود. قیصر، رضا منوری، داش آکل، بلوچ و گوزنها. همچنین موسیقی فیلم طوقی ساخته پرفروش و متفاوت علی حاتمی‌ا و او موسیقی فیلم تیلی ساخته رضامیرلوحی. او

در آن سال‌ها- دهه ۵۰- در اوج بود. هر اثری که منتشر می‌کرد با تحسین همگان روبه‌رو می‌شد. آثاری سرشار از ذوق و خلاقیت که چندی بعد برای همیشه متوقف شد. انقلاب محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایش را با خود آورده بود و او را از ادامه کار باز داشتند بود!او مدتی بعد برای همیشه از ایران رفت اما پیش از آن دواثر جدید از خود باقی گذاشت. دواثر که متفاوت‌ترین آثار او از کار در آمدند. آثاری که در کوران انقلاب ساخته شدند و با استقبال توده‌های انقلابی هم روبه‌رو شدند. ترانه

«وحدت» یا همان «محمد» بر اساس شعری از سیاوش کسراییی با صدای فرهاد که به گفته فرهاد «در روزهای جوشان بهمن ۵۷ساخته شد» و سرود «بهاران خجسته باد». اثری که همه سازهای آن را منفردزاده خود تک تک نواخته بود و پس از ضبط با هم میکس کرده بود. سرود در شرایط اعتراضات نوازندگان ساخته شده بود. آن دو اثر حالا پس از سال‌ها همچنان شنیده می‌شوند. مثل آثار جاودانه دیگر او «مرد تنها»، «جمعه»، «کودکانه»، «سقف»، «تنگنا»، «تماز»، «گنجشکک اشی مشی»... که همچنان خاطره می‌سازند.

یادداشتی بر گرفته از صفحه۱ اینستاگرامی استاد مهرداد جتیی



می‌کنند، در طول دوران حضورش در جلسی خیلی خوب جواب داد. این موضوع سوالاتی را درباره سبک بازی هجومی انگلیس به وجود آورده است. آیا او از سرعت و حرکات مستقیم‌باز یکنگنی مانند آنتونی گوردون و بوکاسا که بهترین عملکردشان در فضاهای کناری است، بیشترین استفاده را خواهد کرد؟ یا بیشتر روی توانایی تکنیکی فودن، بیلنگام یا پالمر به عنوان بازیکنان شماره ۱۰ با حضور مدافعان کناری با وینگ-بک‌ها در کناره زمین تکیه خواهد کرد؟

مدافعان سمت چپ در خشان در چند ماه اخیر به ندرت در انگلیس دیده شده‌اند اما ترجیح تاکتیکی توخل ممکن است خبر خوبی برای لوئیز هال، تینو لیورامنتو یا یلیف دیویس در پست وینگ-بک هجومی و نفوذی باشد. توخل بدون شک مربی قدرتمندتری نسبت به ساوت‌گیت، مربی سیاستمدار گونه پیش از او، است اما به همان اندازه هم نمی‌توان حضور سفیر گونه‌ای که لازمه فوتبال ملی است را نادیده گرفت. اعتماد به نفس به صورت ذاتی از افراد در همراه است. در جایی که شاید بعضی از افراد در اولین برخوردشان با رسانه‌ها محتاطانه برخورد کنند، او اهداف و تیشش را بدون قید و شرط و ابهام مطرح کرد.

توخل در نشست خبری روز چهارشنبه گفت: «من می‌خواهم دومین ستاره را روی این پیراهن بگذارم. ما با تمام وجود برای بزرگ‌ترین هدف در فوتبال تلاش خواهیم کرد، به واقعیت تبدیل کردن رویایمان در جام جهانی ۲۰۲۶».

روایت

ابراهیم افشار

چشم‌هایت زندان مولداوی است

۱ دوری، دوری، دوری. من ۲۸ سال و دو ماه

و یازده روز است ازت دورم و شب‌ها وقتی خوابت را می‌بینم می‌روم آشپزخانه و گریه می‌کنم. چه می‌دانم تو در آن لحظه کجایی؟ تمام دفترهای شِعرم، تمام عکس‌های کودکی‌ام، تمام اسمار تیزها و بلال‌هایم پیشِ توست. و تو از من دوری، دوری، دوری. خیلی دور. البته خیلی هم نزدیک. تقریباً چسبیده به گلویم. اما اقیانوس اقیانوس دورتر از من، در ناکجاآبادی که وقتی به خوابم می‌آیی من می‌روم در آشپزخانه چای می‌گذارم و لیوان را پر می‌کنم و قطره اشکم از کنار دماغم رد می‌شود و تو ی آن می‌افتد. چای شور می‌شود. چای شور می‌شود. چای شور می‌شود. تو تا حالا چای شور خورده‌ای؟

۲ من اما قصه‌های دیگری هم دارم. قصه کرکج‌خان. هنوز چشمم و ابرویش یادم هستت. موهای مجعد جوگندمی‌اش. خال کنار بینی‌اش. اواخر دهه ۶۰ بود که شبی در محله‌مان قیامت شد. دلبر خانم را دیدم که در آستانه‌ان حال رفته و مادرم بهش آب‌قند می‌دهد. فریاد زدند کرکج آ‌مدم. کرکج آمده. رفته بیرون دیدم مردی میانسال سر کوچه ایستاده و عر می‌زند. عریده یا زوزه؟ نمی‌دانم. اما غم توی صدایش، به قاعده ۴۵ سال در دلش تلمبار شده بود. پسرک نوجوانی که در جریان ماجراهای آذر ۱۳۲۵ فرقه دموکرات آذربایجان، سررش را انداخته بود پایین و از مرز بیله‌سوار به شوروی گریخته بود و حالا که اردوگاه چپ جهان دچار فروپاشی شده بود و مرز جمهوری آذربایجان باز شده بود اهالی دو آذربایجان ایران و قفقاز جای پیدا کردن

سارا غضنفری

در دوری فضیلتی نیست

وقتی سورهٔ «دوری» را برای یادداشت به من دادند، دقیقاً داشتم یکی از این کلیپ‌های اینستاگرامی را نگاه می‌کردم که برای دوستش می‌گفت حتی اگر آن طرف دنیا هم باشی دوستان صمیمی با هم دوستند. حتی اگر هرروز حرف نزنیم، چند ساعت را با یکدیگر نگذرانیم و بین ما فاصله باشد باز هم صمیمی ترین دوست همدگیر هستیم! اما دروغ چرا؟ با این فلسفه، قربانی ندارم. با دوری، مگر می‌شود دوری و دوستی؟! بیشتر می‌شود دوری و خویشی نه دوستی. نگارنده از آن دسته آدم‌هاست که آدم‌ها را نزدیک می‌خواهد. مثل

حمید رستمی

چنان دور، چنین نزدیک!

۱ گفت عشق مثل حصیه است می‌آید بی‌هیچ مقدمه‌ای، درست و حسابی که داغوت کرد و از ریخت انداخت، می‌رود بی‌هیچ موخورهای حتی، فقط پوستت را کلفت تر می‌کند همین، از آن به بعد پوستت می‌شود پوست کروکودیل، دیگر چیزی نمی‌تواند تحت تأثیرت قرار بدهد در دراز مدت، هر چه هست در سطح بر گزار می‌شود و تو به آن فاصله ۲۰ – ۳۰ متری سال‌های خاکستر می‌اندیشی که چگونه گاهی نزدیک نزدیک می‌شد و به جای تو تصمیم می‌گرفت، غذا می‌خورد، می‌خوابید، عاشقانه‌گی از سر می‌گرفت و تو چون مرغی دست آموز همه تن چشم شده بودی و از دار دنیا فقط او را می‌دیدی و دیگران برایت سیاهی لشکری بیش نبودند و گاه چنان دور که انگار هزار سال نوری با تو فاصله دارد و هیچ سخن مشترکی نمی‌توانی پیدا کنی! حالا بعد از سی چند سال در خواب و بیهوایی‌های شبانه پرت می‌شوی به آن روزگار و ثانیه به ثانیه‌اش در جلوی چشمانت رژه می‌رود. تمام بی‌تابی‌ها در تنت می‌ریزد، دستت بی‌تاب می‌شود، پایت، جمجمه مغزت و بیهواب می‌شوی و صدای شجریان در گوش‌ات می‌پیچد: «تو دوری از برم، دل در برم نیست، هوای دیگری اندر سرم نیست، به جان دلبرم کز هر دم عالم، تمنای دگر جیز دلبرم، جز دلبرم نیست!» آ یا او هم از این آهنگ‌ها گوش می‌کند؟ مطمئنی که نه ولی باز جایی آن گوشه قلیت گواهی می‌دهد: «خدا را چه دیدهای شاید گوش کرد روزی واز «هایدی سوبله» خسته شد و زد به فاز چپچه‌ه شجریانی و شب گریه‌ای با «الله ناز!» مگر کارهای خرق عادت در این روزگار کم دهم‌ای!»

۲ تو بی‌قرار شده‌ای جان دلم! دیگر حوصله دوری چند ساعته را هم از کف داده‌ای. هر جا هم که بروی شب نشده بر می‌گردی و باره ورقی را جلوی چشمانت گرفته و ذهنت را به پرواز در می‌آوری. یعنی الان چه کار می‌کند؟ سریال همسران را دیده این هفته؟ سریال آپارتمان را چطور؟ آنجا که پرویز پرستویی در نقش نویسنده‌ای پشت میزش نشسته و داستان می‌نویسد و مازیار (شهره سابق) با آن ظرافت زنانه برایش چای می‌آورد را چه؟ با آن عینکی که فقط به درد عاشق شدن می‌خورد؟ به قول امروزی‌ها که من صرفاً یک عدد است! آن روزها هم فاصله صرفاً یک عدد بود و بین ابزار اندازه گیری والا چرا امروز ۶۰۰ کیلومتر نزدیک شده و آن روزها ۲۰ متر کلی دور بود که دو تا آدم عاقل و بالغ بعد از سال‌ها پرسه زدن در کوچه‌های بی‌اعتبار زندگانی، حتی جایی در میان خواب‌ها و رویاها هم به هم نرسند؟

۳ صدای دم صبحی برنامه «راه شب» را دیو در گوش‌ات بیپچد و بگوید: «بی‌قرارم، بی‌قراری از تو است و ماندگاری از دلم!» و نعمه نیمه شبی خروسان بی‌محل محل و شبی که تمامی ندارد و روزی که روشنایی‌اش دریغ نشده و کتاب‌هایی که به خاطرش مرور می‌کنی و تست‌هایی که می‌زنی تا فردا روز، دست پر باش و دانشگاهی که مسرت تمام راه‌های خوشبختی‌ات را اسفالت می‌کند و تاب دوری در دلش را افزایش می‌دهد و مسیر تکراری خانه تا مدرسه و دیدن روی مهی آن هم از دور برایت کفایت می‌کند تا بگویی: آرزو می‌کنم ببینمت، شده از دور، نفسی که تو پس دادی را

تعریف کند یا من که از بغل مادرم جنب نخورده‌ام. دوری دوری دوری. دوری گاه چنین نزدیک است.

۲ همین چند هفته پیش که تبریز بودم دوستانم با بهروز چور کچی در دانشگاه تبریز قرار گذاشتند که بروم مصاحبه. اما آقا بهروز چند ساعت قبلش کنسل کرد و مرا تو ی خماری گذاشت. او هم بعد از ۲۷ سال حبس در آلمان، به تبریز بر گشته بود. غروب‌ها می‌رفت یک چهارپایه دم دکان تخمه آفتابگردون فروشی «قچله» می‌گذاشت و می‌نشست رویش و رهگذران را نگاه می‌کرد. من فقط می‌خواستم برابم از شبی تعریف کند که آنقدر از تنهایی و بی‌حرفی به تنگ آمده بود که علنا به زندانیان چشم‌آبی لندهور التماس کرد که بعد بود که تو را قسم به پسر مریم، بیا با من کمی حرف بزن تا حرف زدن از یادم نرود. من فقط می‌خواستم از روزی بگوید که تقویم فارسی گیر آورده بود و فهمیده روز روز عاشوراست و به تنهایی در سلول خود «واخسی-واخسی» (شاه حسین وای حسین) راه انداخته بود. حالا یک موی سیاه بر موی سر و سیبل و ابرو ندارد. دوری را او می‌تواند تعریف کند یا من که از بغل مادرم جنب نخورده‌ام. دوری دوری دوری. دوری گاه چنین نزدیک است.

۴ خانم لرتا هایراپتیسان تبریزی را ندیدم که ازش ببرسم وقتی در طیاره مسکو به تهران نشسته بود تا بعد از یازده سال غربت‌نشینی به وطن برگردد چه حال و احوالی داشته است. قدیمی‌ها تعریف می‌کردند که او در نمایش «چراغ گاز» با اینکه دیده بود بوی گاز می‌آید -نگو که بیچ یکی از چراغ گازهای صحنه، بساز مانده بود- تک‌گویی

دلاورانه‌اش را در آن فضای مرگبار تا نهایت ادامه داده بود و بعد از اتمام نمایش، بخشی از قدرت صدای زیبای خود را برای همیشه از دست داده بود. همان لرتای باوقا که مجبور شده بود همراه شوهرش به اتحاد جماهیر شوروی برگردد. ابتدا به دوشنبه تاجیکستان و از آنجا به مسکو گریخته بودند تا نتاثر بخوانند. لرتا یازده سال بعد که دلش در هوای ایران و تناثر ایرانی پکید طی نامه‌ای به کنسولگری فخیمه ایران در مسکو تقاضای بازگشت به وطن را کرده بود. سفارتی‌ها سفر لرتا را بی‌مانع اما ورود همسرش نوشین به ایران را قذغن اعلام کرده بودند و لرتا در روزهای غم‌پرور سال ۱۳۴۳ در حالی که حاضر نمی‌شد همسرش را ترک کرده و او را در سرزمین بی‌ترحم سیبل اسلانی‌هی‌ها، بی‌پناه بگذارد نوشین در لحظات آخر جدایی، جمله‌ای به او گفته بود که برای بازگشت به وطن مجابش کرده بود: «به خاطر من برو ایران و گمشگتان و طر دشدگان تناثر را جمع کن.» لرتا که در دانشگاه مسکو رشته تناثر وای حسین) راه انداخته بود. حالا یک موی سیاه بی‌نوشین‌اش، تناثر سعدی را راه انداخت و نمایش معروف «چراغ گاز و بادبزین خانم و بندر میر» را بازی کرد که مستقیم از طریق رادیو پخش شد و شهر را ترکاند. دوری را او می‌توانست تعریف کند یا من که از بغل مادرم جنب نخورده‌ام. دوری دوری دوری. دوری گاه چنین نزدیک است.

۵ اوایل انقلاب در کوچه‌پس‌کوچه‌های تبریز مردی مرموز با ریش سفید بلند را می‌دیدم که هراسان راه می‌رفت. هر چیزی مشکی بود. سلامی را نیز پاسخ نمی‌گفت. معمولاً کتابی یا

احمد بابایی منیر

چرا جهان، چرا جهان، چرا تمام جهان خیس است؟!

تقریباًبدون اغراق. حالا یکی آن طرف دنیاست و حتی ساعت خواب‌مان و شنب و روزمان هم یکی نیست که بدانیم شام املت می‌زند یا نه؟ نه اینکه رفیق نیستیم. دوری، کیفیت هر رابطه‌ای را عوض می‌کند.فیلم «خون‌بازی» برای من مصداق دوری بود. رابطه باران کوثری و بهرام رادان که خارج از کشور بود؛ فکر کنید پشت دوربین با هم غذا بخورید، لباس عروسی تست کنید. بختید. از گریه هم چندان شاید خبری نباشد آخر دور است و بهتر است از غصه‌ها با خبر نشود.خلاصه که شاید باور نکنید اما ... از دل برود هر آنکه از دیده پرفت و تمام.

احد بابایی منیر

چرا جهان، چرا جهان، چرا تمام جهان خیس است؟!

۱ فاصله انگار تنیده در سرنوشت آدمیست: پیشانی نوشت ما! دوری- تو گویی – با ما، نخستین گریه نخستین دم را زار می‌زند و چاره‌ای نیست از نشستن روی گلیم تیره سیاه بختی‌ها!

نیت که کرده بودی نه؟! بسیار خب فنجان داغ را برادر در هوای سرد و روزگاری که «عصر یخبندان» را به یادت می‌آورد قهوه‌ات را سر بکشی، نوش جانت! ولی این پایان داستان نیست، حالا تعلیکی را بگذار روی فنجان و آن را به آرامی و با دقت برگردان، هل بده طر فالفگیر!

آرنج‌هایت را بگذار روی میز و چانه‌ات را روی دست‌هایت. انگشتان هر دو دست چنان در هم گره خورده‌اند که انگار وحشت دارند از دور شدن و جدایی از هم! حالا گوش کن به صدای پی‌رزن فالفگیر! داستان دور شدنت از روزهای ناب و شفاف و زلال کودکی را گوش کن. چه شد که از روزهای لیخند و سادگی و بی‌دردی دور و دورتر شدی چه بر سرت آمد که پرسه گرد کوچه‌های سرد و ناآشنای غریبانگی و بی‌کسی‌ها شدی؟! همینست مانده بود فقط، که زانو در بغل خاکسترنشین لحظات اندوه و ناباوری گردی دور از چشمه و آینه و چراغ!

۲ فاصله انگار تنیده در سرنوشت آدمیست: پیشانی نوشت ما! دوری – تو گویی – با ما، نخستین گریه نخستین دم را زار می‌زند و چاره‌ای نیست از نشستن روی گلیم تیره سیاه بختی‌ها! آلبوم‌های قدیمی را که ورق بزنی، چقدر تو را یاد گسستن‌ها می‌اندازد! یاد بریدن‌ها و شکستن‌ها یاد تکه‌تکه شدن دل وامانده مصیبت کش! یاد سفر کرده‌هامن که رفته‌اند و در سینه‌ما خالی حزن‌انگیز بی‌پایانشان را کاشته‌اند که با هیچ راه‌اشکی، پر نمی‌شود که نمی‌شود!

۳ فاصله انگار تنیده در سرنوشت آدمیست: پیشانی نوشت ما! دوری – تو گویی – با ما، نخستین گریه نخستین دم را زار می‌زند و چاره‌ای نیست از نشستن روی گلیم تیره سیاه بختی‌ها! کشته‌تر از «درد» است!

در روزگاری که انسان تنهاتر از نیاکان غارنشین‌اش از اندوهی به اندوهی دیگر کوچ می‌کند و درد بی‌درمان پوسیدن‌ها را، «وصل» آن اکسیر شفابخش جادویی است چه می‌کنید شماها‌ای حکیمان «وصل ناباور مومن به فصل‌ها؟»

۴ از این غریبه‌ای که هر روز در آینه به من خیره می‌شود، می‌ترسم! این من که من نیستیم! چقدر فاصله بین ماست ای نشسته‌ان دورها‌ای غریبه آشنا! دور شو از دوری و نزدیکتر باش حتی یققدم! من، سال‌هاست که تشنه دیدنت هستم ای من دور از من! ولی دریغ، دریغ که فاصله انگار تنیده در سرنوشت آدمیست: پیشانی نوشت ما! دوری – تو گویی- با ما، نخستین گریه نخستین دم را زار می‌زند و چاره‌ای نیست از نشستن روی گلیم تیره سیاه بختی‌ها!

دامن دین برگشته بود که دائم از دست ماموران کا.گ.ب، می‌رفت روی درخت و اذان می‌گفت و ماموران امنیتی شوروی دوباره خفتگیرش کرده و تبعیدش می‌کردند. تا اینکه یک روز به سفارت ایران نامه‌ای نوشته و برگشته بود ایران. مردی که تمام زندگی‌اش در تبعید و آوارگی و زندان گذشته بود ۳۲ سال بعد، هنگام پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ به تبریز برگشته بود اما هنوز خیلی‌ها می‌گفتند نکند مامور مخفی شوروی‌ها باشد و این بازی جدید اوست؟ از آنجا رانده شده بود و از اینجا مانده. تا اینکه در روز اول اسفند سال ۱۳۶۳ در یک تنهایی مطلق از دست رفت و از آن زندگی وحشتناک راحت شد اما من در آرزوی مصاحبه‌ام ماندم. دوری را او می‌توانست تعریف کند یا من که از بغل مادرم جنب نخورده‌ام. دوری، دوری، دوری گاه چنین نزدیک است.

۶ دوری، دوری، دوری. من ۲۸ سال و دو ماه و یازده روز است ازت دورم، ای عشق گمشده من. و شب‌ها وقتی خوابت را می‌بینم می‌روم آشپزخانه و گریه می‌کنم. چه می‌دانم تو در آن لحظه کجایی. تمام دفترهای شِعرم، تمام عکس‌های کودکی‌ام و تمام اسمار تیزها و تیله‌هایم پیشِ توست. و تو از من دوری، دوری، دوری. خیلی دور. البته خیلی هم نزدیک. چسبیده به گلویم، زگرچه اقیانوس اقیانوس دورتر از من، ره‌ادر ناکجاآبادی که وقتی به خوابم می‌آیی، من می‌روم در آشپزخانه چای می‌گذارم و لیوان را پر می‌کنم و قطره اشکم از کنار دماغم رد می‌شود و تو ی آن می‌افتد. چای شور می‌شود. چای شور می‌شود. چای شور می‌شود. تو تا حالا چای شور خورده‌ای؟

مهدی افخمی

زیر دریایی ناقص روسی

دورترین جایی که زندگی کردم بندرعباس بود. در کمترین حالت با اتوبوس ۲۱ ساعت در راه بودم. شب‌ها اتوبوس از کویرهای کرمان می‌گذشت و آنگاه اتوبوس در حال پرواز بود و من که هیچ وقت خوابم نمی‌برد شاهد سرعت سرسام آور و پروازش بودم. مسافران غرق در خواب؛ خوبی جوانی این است که خوابت نمی‌برد و همه چیز را اقرار است با چشم ببینی. گاهی اتوبوس خراب می‌شد و تا اتوبوس جایگزین از کرمان بیاید یک روز به روزهای سفر اضافه می‌شد. توی بندرعباس سرباز صفر بودم. نطفاتجی یک ساختمان بزرگ که ته کار خوبی که انجام می‌دادم بردن چای برای امرای ارتش ساختمان بود. یک عالمه قطعات زیر دریایی روسی وارد کرده بودند و در آن ساختمان آبی قرار بود مونتاژ کنند. اما صبح‌ها والیبال بازی می‌کردند. تا ظهر ناهار می‌خوردند و شب به خانه‌های سازمانی‌شان در هدیش برمی‌گشتند و ما باید زیرشان را تمیز می‌کردیم. ته نفرخان نشستن کنار اسکله باهنر و دیدن انبوه لنج‌ها بود که یا هندوانه به دویی می‌بردند و یا پر کارتن برمی‌گشتند. بندرعباس کمترین مسافت بود که به خارج نزدیک بودم. یک سالی احمدی‌نژاد تعطیلات عید فطر را ۴ روز اعلام کرد و انبوه آدم‌ها بودند که به اسکله آمده بودند و می‌خواستند به قشم بروند. ۱۵ مراد که می‌شد دو سروان کارگاه «لایف رفت» (جایی که قایق نجات را وارسی می‌کردند) می‌نشستند دور میز و با چنگال قهوه فوری را در لیوان می‌ریختند می‌گفتند کمر هوا شکست. تمام کادر ارتش سه ماه تابستان خانواده‌هایشان را به شهرستان می‌فرستادند و تابستان هم تمام مرخصی‌هایشان را یکجا به مدت یک ماه می‌رفتند و از جهنم بندرعباس فرار می‌کردند. ما سربازها و عمله‌های ارتش یک روز را در رصد یا همان آشپزخانه برای چندهزار نفر سوسیس و سسب زمینی سرخ می‌کردیم. یک روز کسول‌های اکسیژن را از توی کامیون‌ها خالی می‌کردیم. یک روز لوله چند ده متری را از تروی انبار به داک کنار زیر دریایی ناقص روسی می‌بردیم. اقندر عرق به تنمان می‌چسبید که مجبور بودیم بدنمان را با تایید و پودر لباسشویی بشویم تا اندکی پوستمان آرام بگیرد. گاهی هم باید بعد از والیبال امیر رستگار و دوستانش در رده میانی و دوش گرفتنشان ۳۰ دوش حمام را تمیز می‌کردیم و تی می‌کشیدیم. گاهی برای ناهارشان با تو فقه یادگان می‌رفتیم و بستنی دایتی قهوه برایشان می‌گرفتم. حالا که فکر می‌کنم می‌بینم در دورترین نقطه زندگی گرفتار چه کابوسی بودم. تا اینکه آخر خدمت مرا به مرکز تلفن منتقل کردند و در یک اتاق دو در یک تلفن‌های داخلی را وصل می‌کردم و همان جا که از زندگی سیر شدم و شیشه پلاستیکی کرم سوسک را دیدم و با پودر شربت قاطی کردم و همه را چون آب زلال و گوارا سر کشیدم و بعد توی بیمارستان ارتش چشم باز کردم و با زور شنلنگی از دماغم به معده‌ام کشیدند و بعد از شست‌وشو بردم در تیمارستان ارتش بستریم کردند. خودم با فردی فراوان فاصله دارم و درآوردم و هر روز به محوطه از پر علف و دار و درخت از پشت پنجره اتاق تیمارستان ارتش خیره می‌شدم و به سرنوشت محتوم فکر می‌کردم تا اینکه عید شد و هیچ کس در آن تیمارستان نبود و مرا فرستادند تیمارستان شهر و توی آن اتاق‌ها که در و پنجره‌اش با قفل‌های بزرگ نرده‌ای بودم بزرگتر محصور بود چند باری صدای محسن نامجو را از تلویزیون شنیدم و روی تخت‌های چرمی دراز کشیدم تا مادرم از دورترین نقطه آمد و بر گام را امضا کرد و بدون شوک الکترونیکی از آن جهنم دره بیرونم کشید و دو ماه مانده خدمتم را به من مرخصی دادند. احتمالاً باز تا سال‌های دور هم امیر رستگار و دوستانش والیبال بازی کردند و تابستان‌ها به مرخصی رفتند و زیر دریایی ناقص روسی‌شان شاید تکمیل شد و سربازها مدام حمام‌های رده میانی را تی کشیدند...